



# به رسمیت شناختن زنان صلح‌ساز:

بازیگران حیاتی در صلح‌سازی موثر

صنم نراقی آندرلینی، دارنده نشان افتخار عالی سلطنت بریتانیا

ترجمه عزیز حکیمی

۳	سپاسگزاری و تقدیر
۴	مقدمه
۶	چرا به رسمیت شناختن زنان صلح‌ساز مهم است
	زنان صلح‌ساز به مثابه عنصری کلیدی
	تقویت حفاظت از کارورزان صلح
۸	برچسب‌هایی که می‌تواند مانع یا کمک‌کننده باشد
	زنان
	زنان میانجی
	زنان مدافع حقوق بشر
۱۲	زنان صلح‌ساز: انگیزه‌ها، اقدامات، و رویکردها
	تبدیل شدن به یک صلح‌ساز: سینه سپر کردن در برابر مشکلات و تقبل مسئولیت
	توقف چرخه درد، معنا بخشیدن به مصیبت
	مشورت، اعتماد، و مسئولیت‌نمای‌اندن نیازهای جامعه
	شیوه‌های برخاسته از آرمان و ارزش
	رفع تبعیض و تاکید بر جهان‌شمولی حقوق بشر
	استنتاج قدرت از مذهب و فرهنگ برای به چالش کشیدن نظامی‌گرایی و تحول مردسالاری
	استفاده از شیوه‌های مختلف برای رسیدن به هدف غایی که برقراری صلح پایدار است
۲۴	نتیجه‌گیری‌ها و توصیه‌ها
	چارچوب عملیاتی برای اطمینان از مشارکت زنان صلح‌ساز در روندهای رسمی صلح





## سیاسگزاری و تقدیر

این رساله بر محور تجربه واقعی زنان صلح‌ساز، خصوصاً تجربه اعضای ائتلاف زنان برای رهبری امنیت (WASL) استوار است که نظرات خود را سخاوتمندانه به اشتراک گذاشتند و به تهیه این تحلیل کمک کردند. جا دارد از همه کارورزان، محققان، و سیاست‌گذارانی که طی مصاحبه‌ها و مشاوره‌های مختلف، وقت و انرژی خود را در اختیار ما قرار دادند، صمیمانه تشکر کنیم و نیز به طور خاص از جنیفر فریمن (دانشگاه سن‌دیگو) و روزا امیلیا سالامانکا (گروه اقدام تحقیقی و اجتماعی و اقتصادی) سپاسگزاری می‌کنیم که هرکدام مطالبی را، به ترتیب، بر مبنای رساله دکترای در حال تنظیم خود، و تحقیق عملی جاری خود، در اختیار ما قرار دادند.

ما همچنین از همکارانمان قدردانی می‌کنیم که در کار انکشاف، بازبینی و انتشار این گزارش، تخصص خود را در اختیار ما قرار دادند. تیم تحریریه با هدایت رنا علام، شامل سهیلا عبدالهی، ملیندا هولمز، جولیان جکسون، مورگان میچل و کندال تیورسکی بود. همچنین الگا اندرو، فرانس بوگنان، رنا البحیری، هلینا گروبرگ، ملالی حبیبی، مایا کاوالر، صبحیه ماستونشووا، لارن ملوز، استیسی شامبر، یوونن شاناهان، یودیت ویلیس و سمین زهره در این کار ما را حمایت کردند.

ما همچنین از بازبینی همکارانمان در این پروژه بسیار سپاسگزاریم، از جمله داکتر میا بلوم (دانشگاه ایالتی جورجیا)، داکتر چانتال دی یونگ اودرات (زنان در امنیت بین‌الملل)، جفری فلتمن، لون جسن، (دفتر امور سیاسی و صلح‌سازی سازمان ملل)، قهرمانه کاکر (زنان میانجی در شبکه کشورهای مشترک‌المنافع)، داکتر پل کیربی (مرکز زنان، دپارتمنت صلح و امنیت در مدرسه عالی علوم اقتصادی لندن)، کتلین کوناست (موسسه صلح آمریکا)، کارول موت (وزارت خارجه سوئیس)، مسرت قدیم (صندوق دانش‌آموختگان پیمان)، ونسا پرینز (وزارت خارجه فدرال آلمان)، روبینا روبیمبوا (ائتلاف برای اجرای قطعنامه ۱۳۲۵)، نیکا سعیدی (برنامه انکشافی سازمان ملل)، لارا جی. شپرد (مرکز زنان، صلح و امنیت در مدرسه اقتصاد لندن)، ماریتا سورهم-رنس و یک (وزارت خارجه نروژ)، و ییفات سوسکیند (سازمان مدره/Madre).

و سرانجام، این جزوه بدون حمایت سخاوتمندانه مالی یا دیگر حمایت‌های نهادهای ذیل که به شبکه آیکن (ICAN) کمک کردند، میسر نمی‌شد: بنیاد چنل؛ بنیاد کمپتن؛ وزارت خارجه آلمان؛ موسسه امور بین‌الملل کانادا؛ وزارت خارجه نروژ؛ بنیاد ون ارث فیوچر؛ صندوق پلاشیرز؛ وزارت خارجه سوئدن؛ وزارت خارجه سوئیس؛ وزارت امور خارجه، دفتر کشورهای مشترک‌المنافع و توسعه بریتانیا؛ برنامه توسعه سازمان ملل، و نهاد زنان سازمان ملل.

۱ نام افراد و سازمان‌ها به انگلیسی به ترتیب:

Dr. Mia Bloom (Georgia State University), Dr. Chantal de Jonge Oudraat (Women in International Security), Jeffrey Feltman, Lone Jessen (UN Department of Political and Peacebuilding Affairs), Quhramaana Kakar (Women Mediators Across the Commonwealth Network), Dr. Paul Kirby (London School of Economics Centre for Women, Peace and Security), Kathleen Kuehnast (US Institute of Peace), Carol Mottet (Swiss Federal Department of Foreign Affairs), Mossarat Qadeem (PAIMAN Alumni Trust), Vanessa Prinz (German Federal Foreign Office), Robinah Rubimbwa (Coalition for Action on 1325), Nika Saeedi (UN Development Programme), Laura J. Shepherd (London School of Economics Centre for Women, Peace and Security), Marita Sørheim-Rensvik (Norwegian Ministry of Foreign Affairs), and Yifat Susskind (Madre).



## مقدمه

وقتی شورای امنیت سازمان ملل در اکتبر سال ۲۰۰۰ قطعنامه ۱۳۲۵ را درباره زنان، صلح و امنیت (موسوم به WPS) تصویب کرد، یک حرکت جهانی آرام ولی پیوسته در جهت پذیرش این واقعیت ایجاد کرد که در جنگ، زنان و مردان تجاری متفاوت از خشونت، قربانی شدن، بقا، و صلح‌سازی دارند.

اجندای این قطعنامه، تحول‌آفرین و آینده‌نگرانه بود؛ چون عاملیت و نقش زنان – و نیز حقوق ذاتی آن‌ها – را برای پایان‌دادن به جنگ و مذاکره و ایجاد صلح پایدار رسماً می‌پذیرفت. با وجود این اذعان رسمی و موجی از بیانیه‌های سیاسی و قطعنامه‌ها که متعاقباً این پیام را تکرار و تقویت کردند، بخش‌های دیپلماتیک، انکشاف و امنیت بین‌المللی، در کار خود به این تغییر سیاسی و قانونی جامه عمل نپوشاندند. در نتیجه زنانی که در کانون اجندای «زنان، صلح و امنیت» هستند، خصوصاً آنانی که به‌عنوان صلح‌ساز در خطوط مقدم منازعات فعالیت می‌کنند، با چالشی دوگانه مواجه می‌شوند.

اول آن‌که، نگرش‌های قدیمی مردسالار و نواستعماری نسبت به زنان همچنان به قوت خود باقی‌ست. اگر بُعد جنسیتی یک بحران یا منازعه ذکر شود، معمولاً زنان را منحصرآقربانی یا متأثر از رویدادها معرفی می‌کنند که تقریباً هیچ عاملیتی در مقاومت یا اثرگذاری بر آن رویدادها ندارند. حتی وقتی به شکل لفظی از مشارکت و عاملیت زنان حمایت می‌شود، بسیاری در دنیای سیاست از «ظرفیت» و «توانمندسازی» سخن می‌گویند، بدون آن‌که توانمندی‌ها و قدرتی را که هم‌اکنون در میان زنان وجود دارد، و از آن بهره می‌برند، به رسمیت بشناسند. زنان صلح‌ساز صرفاً به دلیل زن بودن، با تبعیض و تعصب ناخودآگاه مواجه می‌شوند.

دوم آن‌که، وقتی قطعنامه ۱۳۲۵ سازمان ملل متحد تصویب شد، مفهوم «صلح‌سازی متکی بر شهروندان» هنوز برای جامعه سیاسی جهان تازگی داشت.<sup>۲</sup> به همین دلیل، متن قطعنامه واژه «صلح‌سازان» را به‌عنوان یک گروه به‌کار نمی‌برد. بلکه به‌طور کلی، به لزوم مشارکت «زنان» در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با صلح و امنیت اشاره می‌کند. نزدیکترین اشاره به صلح‌سازی متکی بر شهروندان در بند ۸ است که حمایت از «ابتکارات صلح زنان محلی» را مطرح می‌کند.

از سال ۲۰۰۰، تئوری و شیوه عمل صلح‌سازی رشد سریعی داشته – هم در کشورهایی که درگیر جنگ داخلی بوده‌اند، و هم در میان کارورزان بین‌المللی در حوزه‌های سنتی‌تر و جاافتاده‌تر توسعه، حقوق بشر و امنیت. اما صلح‌سازان به‌عنوان یک گروه از کارورزان و متخصصان که کارشان بر اساس مفاهیم، دانش، ارزش‌ها، رویکردها، و مهارت‌های مشخصی است، هنوز به اندازه همکاران‌شان در حوزه‌های توسعه و حقوق بشر شناخته نشده‌اند.<sup>۳</sup>

در سال ۲۰۱۸، چندین سازمان بین‌المللی برای گنجانیدن واژه «صلح‌سازی» به‌عنوان یکی از مدخل‌های لغت‌نامه‌های زبان، کمپینی به راه

۲ در فحوی سیاست‌گذاری جهانی، اولین بار در ۱۹۹۲، پطرس غالی دبیرکل سابق سازمان ملل در کتاب معروف خود «اجندا صلح»، اصطلاح «صلح‌سازی» را به‌کار برد. صلح‌سازی حیطه‌ای از کارورزی بود که در نتیجه پایان جنگ سرد و ظهور جنگ‌های داخلی و چندملیتی به میان آمد؛ و علت پیدایش آن این بود که گرچه نقش اصلی سازمان ملل پیشگیری از جنگ است، ساختار چندجانبه آن به‌خاطر اصل عدم مداخله و اصل احترام به حاکمیت ملی محدود شده و نمی‌تواند بدون اجازه صریح از کشور موردبحث یا شورای امنیت، در جنگ‌های داخلی مداخله کند. گرچه در ۲۰۱۹، در جنگ‌ها و درگیری‌ها از یمن تا ونزویلا، این مسائل صدق می‌کند، در دهه ۱۹۹۰، بوسنیایی‌ها، رواندایی‌ها و دیگران محدودیت‌های ساختار صلح جهانی را حس کردند، و از همان موقع شهروندان صلح‌ساز در حال ظهور بودند. بسیاری از آن‌ها زن بودند و خواستار به رسمیت شناخته شدن نقش و سهم زنان در صلح‌سازی بودند و همین منتج به تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت شد.

۳ برای نمونه، رجوع کنید به، سورین اوتوسه، سرزمین صلح: حل منازعه و سیاست روزمره مداخله بین‌المللی (کمبریج، بریتانیا: انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۴) و کاترین گوتز، تمایز صلح: تحلیل اجتماعی صلح‌سازی (ان‌آربر، میشیگان: انتشارات دانشگاه میشیگان، ۲۰۱۷).





انداختند.<sup>۴</sup> ولی این همچنان تعریفی جامع از صفات و مهارت‌های یک صلح‌ساز نیست، خصوصاً کسانی که درون جوامع خودشان فعالیت می‌کنند.

## زنانی که صلح‌ساز هستند باید با این واقعیت دست و پنجه نرم کنند که بازیگران دولتی، ملی و بین‌المللی مهارت‌ها و راهبردهای آنان را در رسیدگی به منازعات به رسمیت نمی‌شناسند، گرچه مشارکت و تاثیر زنان در صحنه عمل حیاتی است.

این ترکیب جنسیتی گرای و بی‌اعتنایی به صلح‌سازان به‌عنوان گروهی از بازیگران، هنوز در فرهنگ بسیاری از نهادهای سیاسی و دیپلماتیک در حمایت و اجرای روندهای رسمی صلح مشارکت می‌کنند نفوذ دارد. این امر به موانع پیش‌روی زنان صلح‌ساز می‌افزاید.

اقدامات قابل توجه و غنی برای رفع نابرابری و تبعیض جنسیتی درون این نهادها و نظام‌ها انجام می‌شود. برای همین مطلب حاضر بر لزوم به رسمیت شناختن صلح‌سازان تمرکز دارد، خصوصاً زنان صلح‌ساز، به‌عنوان بازیگران محیط‌های درگیر منازعه، که مستقیماً روی مسائل مربوط به پیشگیری، حل و فصل و تحول منازعات کار می‌کنند. این گزارش از منابع مستند و مصاحبه‌های مستقیم استخراج شده است و هدف آن ارائه پارامترهایی برای درک خصیصه‌های زنان صلح‌ساز به‌عنوان جامعه‌ای از کارورزان، و انگیزه‌های آن‌ها، و انواع رویکردهای آن‌ها در ارتباط با روندهای صلح در محیط‌های معاصر درگیر منازعه است. برای انجام این کار، این بحث همچنین به زوایایی می‌پردازد که بین این جامعه کارورزان، و فعالان و کارورزان زن در حوزه‌های مرتبط دیگر – از جمله مدافعان حقوق بشر و میانجی‌گران صلح – مشترک است.

بحث ذیل، مسائل مربوط به سه سوال به‌هم مرتبط را کاوش می‌کند:

- چرا در فحوی منازعات امروز و جوامع متأثر از خشونت، به رسمیت‌شناختن زنان صلح‌ساز مهم است؟
- در حوزه سیاست‌گذاری، چگونه واژگان و برچسب‌ها مانع مشارکت بیشتر زنان در روندهای صلح می‌شود یا به آن کمک می‌کند؟
- فاکتورهای شناسایی پیچیدگی‌ها و مشترکات تجارب زنان صلح‌ساز با انواع دیگر فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی چیست؟ پاسخ به این پرسش نهایی، نیازمند بررسی انگیزه‌ها و عواملی است که زنان را به سمت صلح‌ساز شدن سوق می‌دهد؛ و نیز فعالیت‌هایی که آن‌ها انجام می‌دهند و عرصه‌های محلی و بین‌المللی را به‌هم پیوند می‌دهد؛ و این‌که چگونه زنان صلح‌ساز در ادوار مختلف و مناطق جغرافیایی متفاوت، و در جستجوی خود برای صلح، عدالت، و قدرت نفوذ بر دشمنان و نیروهای متخاصم، خودخواسته و به‌شکلی راهبردی توانسته‌اند از سنت‌ها، آیین‌های فرهنگی، تعالیم دینی، و ساختارهای خویشاوندی موجود، و نیز قوانین ملی و بین‌المللی استفاده کنند، بر آنها غلبه کنند و یا آنها را تغییر دهند.

گزارش حاضر همچنین از این بحث دفاع می‌کند که زنان صلح‌ساز در عین حال که در پیگیری مطالبات‌شان – برای شمول در تصمیم‌گیری‌های صلح و امنیت بر سیاست‌ها و هنجارهای قانونی بین‌المللی نشأت‌گرفته از اجندا زنان، صلح و امنیت (WPS) تکیه می‌کنند، تلاش‌های صلح‌سازی آن‌ها در سطح محلی هم الهام‌بخش شکل‌گیری این‌گونه سیاست‌ها، و موجب مشروعیت‌بخشیدن به مطالبه آن‌ها برای به رسمیت شناختن و تصدیق تخصص و نقش‌شان، و شمول نظام‌مند آن‌ها در روندهای صلح و امنیت شده است.

البته این بحث به‌هیچ‌وجه جامع نیست. بلکه تلاش می‌کند گروهی از زنانی را که برای پایان خشونت و ترویج صلح عادلانه و فراگیر در خطوط مقدم خشن‌ترین و جنگ‌زده‌ترین مناطق جهان زندگی خود را به خطر می‌اندازند معرفی کرده و درکی عمیق‌تر از آنها ارائه و توجه‌ها را به آنها معطوف کند. همچنین تلاش می‌کند برای پیشبرد تحقیق و تحلیل و مستندسازی راهبردها و چارچوب‌های نظری‌ای که زنان صلح‌ساز طراحی کرده و انکشاف داده‌اند، فضای بیشتری باز کند. این گزارش ماحصل دو دهه تحقیق، سیاست‌گذاری، طراحی، و تجربه دادخواهی و میانجی‌گری رسمی است، و بر مبنای مصاحبه‌های شخصی آنلاین و مشورت با ۵۰ زن صلح‌ساز و شمار زیادی از سیاست‌گذاران طی بیش از دو سال و در ارتباط با ۴۰ منطقه درگیر جنگ و خشونت شکل گرفته است. اگر قرار است از زنان صلح‌ساز برای مشارکت در عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط دعوت به عمل آید، به رسمیت‌شناختن موجودیت آن‌ها گامی اولیه و ضروری است.

<sup>۴</sup> مطابق این تعریف، «صلح‌سازی فعالیتی با هدف رفع بی‌عدالتی از راه‌های غیرخشونت‌آمیز و ایجاد تحول در شرایط فرهنگی و ساختاری‌ای است که منجر به منازعه مرگ‌بار یا ویرانگر می‌شود». رجوع کنید به هشدار بین‌المللی، «در روز صلح پیش‌رو، کمپین‌های خبریه ویژه‌ای جدید را به لغت‌نامه وارد می‌کنند»، ۲۱ سپتامبر، ۲۰۱۸.

<http://www.international-alert.org/news/peace-day-charities-campaign-put-new-word-dictionary>

## چرا به رسمیت شناختن زنان صلح‌ساز مهم است

به رسمیت‌شناسی زنان صلح‌ساز، (۱) پروسه‌های صلح را از طریق درک مزایای مقایسه‌ای، دانش و رویکردهای متفاوتی که این زنان وارد کار می‌کنند، بهبود می‌بخشد و (۲) باعث افزایش حفاظت و امنیت این گروه کارورزان در حال رشد می‌شود.<sup>۵</sup>

(۱) زنان صلح‌ساز از نزدیک با جوامع محلی تعامل دارند، و برای همین عنصری کلیدی هستند که جوامع جنگ‌زده از طریق آن‌ها دغدغه‌ها و تجارب و نیازهای‌شان را بیان کنند. زنان صلح‌ساز به نمایندگان غیررسمی این جوامع در دنیای خارج بدل شده‌اند. وقتی این زنان به نشست‌های مشورتی مربوط به مذاکرات رسمی صلح دعوت می‌شوند، صدای مردم جنگ‌زده را منتقل می‌کنند، و هر جا که امکان‌ش باشد، برای رفع نیازهای آنها دادخواهی و مذاکره می‌کنند. آن‌ها صرفاً مذاکره‌گران بی‌طرف نیستند، بلکه طبق خواست اجتماعات خود — که نماینده دیگری ندارند — وارد مذاکرات می‌شوند. تعلق این زنان به بطن جامعه و توانایی آن‌ها در جلب توجه به آثار جسمی، عاطفی و روانی جنگ در فضای سیاسی مذاکرات می‌تواند به تحول در روند صلح کمک کند. یک نمونه بارز این توانایی، شبکه صلح زنان رودخانه مانو (موسوم به MARWOPNET) در غرب آفریقا است. در ۲۰۰۳، این شبکه متشکل از صلح‌سازانی از لیبیا، سیرالئون و گینه بود. با درگرفتن تنش میان این سه کشور، زنان بسیج شدند و نمایندگان صلح خود را نزد روسای جمهور سه کشور اعزام کردند. راهبرد آن‌ها این بود که بر رنج انسانی ناشی از جنگ تمرکز کنند. بنا به گزارش سازمان ملل در ۲۰۰۳، این هیئت زنان، پس از ملاقات با چارلز تیلور، رئیس‌جمهور وقت لیبیا، و قانع کردن او به نیاز برای تنش‌زدایی و گفتگو، به کوناگری رفتند تا با لانسانا کونته رئیس‌جمهور گینه ملاقات کنند:

یکی از اعضای مسن‌تر گروه، خانم برونل ... به آقای کونته گفت، «شما و پرزیدنت تیلور باید به عنوان دو تا مرد باهم بنشینید و اختلافات‌تان را حل کنید، و ما زن‌ها می‌خواهیم حضور داشته باشیم. ما در را به روی شما قفل می‌کنیم و من روی کلید در می‌نشینم، تا شما سر عقل بیایید». وقتی اظهارات او به فرانسوی برای آقای کونته ترجمه شد، سکوتی طولانی حاکم شد. خانم برونل به یاد می‌آورد که، «بعد کونته زده بود زیر خنده. باورش نمی‌شد؟ خنده‌اش که تمام شد گفت، «فکر می‌کنی کدام مرد چنین حرفی به من می‌زند؟ فقط یک زن می‌توانست چنین چیزی بگوید و جان سالم به‌در ببرد». در پایان آقای کونته قبول کرد در ملاقات سران شرکت کند، و تغییر عقیده‌اش را به آن زن‌ها نسبت داد. او موقع ترک هیئت نمایندگان گفت، «آدم‌های زیادی سعی کردند مرا قانع کنند تا با پرزیدنت تیلور ملاقات کنم. تعهد و درخواست شما مرا قانع کرد». این برای شبکه صلح زنان رودخانه مانو دستاورد دیپلماتیک بزرگی بود — دستاوردی که میانجی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ماه‌ها برای حصول آن تلاش کردند اما موفق نشدند.<sup>۶</sup>

چنین مواردی از این بابت مهم هستند که بسیاری از روندهای صلح فعلی، متوقف شده‌اند و یا بی‌ثبات و رو به شکست هستند. همچنین بنابر به تحقیقات، حتی وقتی توافقات صلح حاصل می‌شود، به ندرت اجرا می‌شود؛ «بیش از ۵۰ درصد توافقات صلح طی ۵ سال شکست می‌خورد»<sup>۷</sup> و کشورها دوباره به جنگ کشیده می‌شوند. درعین حال، هم تحقیقات کیفی و هم تحقیقات کمی طی ۲۰ سال گذشته نشان می‌دهد که:

- وقتی زنان مشارکت معناداری دارند، احتمال شکست توافق صلح ۳۵ درصد کاهش می‌یابد؛<sup>۸</sup>
- وقتی جنبش‌های جامعه مدنی زنان در فرایندهای صلح مشارکت می‌کنند، طی ۱۰ سال بعد از آن، افزایش قابل توجهی در اجرای مفاد پیمان‌های صلح وجود دارد.<sup>۹</sup>

به رسمیت‌شناختن گامی ضروری در جهت شمول زنان صلح‌ساز در روندهای رسمی صلح است. این خود باعث بهبود کیفیت این روندها و افزایش احتمال موفقیت آن‌ها می‌شود.

۵ برای تفصیل بیشتر این مضامین کلیدی رجوع کنید به تحقیقات مربوط به ویژگی‌ها و معرفی نقش زنان صلح‌ساز، که از سوی گروه اقدام تحقیقی و اجتماعی و اقتصادی (CIASE) به‌عنوان بخشی از پروژه «معرفی زنان صلح‌ساز در کلمبیا و توسعه ابزارهای ایمنی و امنیتی برای و توسط زنان صلح‌ساز کلمبیا» با حمایت صندوق صلح نوآورانه متعلق به شبکه آیکن (ICAN) تهیه شد.

۶ مایکل فلشمن، «زنان آفریقا برای دستیابی به کرسی در میز صلح تلاش می‌کنند»، آفریقا رینوال (فوریه ۲۰۰۳):

<http://www.un.org/africarenewal/magazine/february-2003/african-women-struggle-seat-peace-table>

۷ «گزارش توسعه جهانی ۲۰۱۱: منازعه، امنیت و توسعه». گروه بانک جهانی. ۲۰۱۱: <http://siteresources.worldbank.org/INTWDRS/Resources>

۸ دزیره نیلسون، «تثبیت صلح: بازیگران جامعه مدنی در معاهدات صلح و صلح پایدار»، تعاملات بین‌المللی ۳۸، شماره ۲، (۲۰۱۲): ۲۶۶-۲۴۳؛ ماری اورایلی، آندرنا اوسالوان، و تانیا پافنهولز، «تصویر تازه صلح آفرینی: نقش زنان در روندهای صلح» (نیویورک: انستیتو صلح بین‌الملل، ۲۰۱۵).

۹ جانا کراوس، ورنر کراوس، و پایا برانفورس، «مشارکت زنان در مذاکرات صلح و تداوم صلح»، تعاملات بین‌المللی ۴۴، شماره:



۲) صلح‌سازی کار مخاطره‌آمیز و بغرنجی است. در موقعیت‌های شدیداً دوقطبی که طرف‌های متخاصم برای کرامت و انسانیت یکدیگر هیچ ارزش و احترامی قائل نیستند، هر که بخواهد با طرف‌های درگیر تماس برقرار کند و با آن‌ها گفتگو کند، خود را در معرض بی‌اعتمادی تمام طرف‌ها از جمله گروه خود قرار می‌دهد. از آنجایی که صداقت عمل بزرگ‌ترین دارایی صلح‌سازان برای ایجاد اعتماد و دسترسی به گروه‌ها است، تضعیف اعتبار و آبروی آنان تاکتیکی کلیدی علیه آن‌هاست. همان‌طور که در یکی از گزارش‌های قریب‌الانتشار اشاره شده، زنانی که صلح‌ساز هستند به خاطر فعالیت‌شان برای صلح مورد تهدید واقع می‌شوند. ۱۰ این‌ها هم مثل زنان مدافع حقوق بشر، با تهدیدات جنسیتی مشخصی مواجه هستند، به‌ویژه:

- اتهام بی‌بندوباری جنسی و حملات لفظی علنی، از جمله «فاحشه» خواندن زنان صلح‌ساز؛
- اشارات جنسی و تهدید به تعرض و تجاوز جنسی؛
- تهدید فرزندان و خانواده (زنان و دختران خانواده بیشتر از مردهای خانواده تهدید می‌شود)؛ و،
- بدنام‌سازی و بی‌اعتبارسازی با اتهام تخلف یا نقض هنجارهای رفتار اجتماعی، یا «غریبی» بودن، یا عدم تعلق به اجتماع و فرهنگ خودشان و بیگانگی از آن.

این‌گونه اتهامات از طرف‌های متعددی وارد می‌شود. گروه‌هایی با انگیزه سیاسی (یا فعالان حقوق بشر خودخوانده) ممکن است تلاش‌های صلح‌سازان را در جریان گفتگوها، به جانبداری یا همدلی با عاملان خشونت متهم کنند. این یکی از آثار جانبی کنشگری صلح است.

مثلاً در دهه ۱۹۹۰، جنبش «صلح، هم‌اکنون» به این خاطر هدف افترا قرار گرفت که از تعامل با فلسطینی‌ها در برابر فضای خشونت‌آلود حمایت می‌کرد. در سوریه با گسترش جنگ از سال ۲۰۱۱، فعالان سوری با سابقه در حوزه حقوق زنان و حقوق بشر، اغلب به شبکه‌ها و رهبران نوظهور عرصه صلح‌سازی بی‌اعتماد بودند و آن‌ها را متهم می‌کردند که به دولت وابسته هستند. در کامرون و عراق، در بحبوحه همه‌گیری کرونا، نیروهای دولتی و غیردولتی، به‌عنوان تاکتیک‌هایی برای خاموش کردن زنان صلح‌ساز و توقف کارشان، آن‌ها را به مرگ تهدید کرده و اقدام به ربودن آن‌ها کرده‌اند.

علاوه بر حملات مستقیم فیزیکی، صلح‌سازان با تهدیدات زیاد دیگری روبه‌رو هستند؛ از جمله بازداشت و بازجویی، اتهام مجرمیت (و حکم بازداشت)، مسدودسازی حساب‌های بانکی، و ابطال ویزا یا مدارک اقامت.<sup>۱۰</sup>

شمار زیادی از سیاست‌گذاری‌ها و چارچوب‌ها و سازوکارهای حفاظتی بین‌المللی وجود دارد تا چالش‌های پیش‌روی زنان مدافع حقوق بشر را برطرف کند. اما چنین سازوکارهایی هنوز برای صلح‌سازان وجود ندارد، چون آن‌ها به‌عنوان یک دسته مشخص از کارورزان کاملاً به رسمیت شناخته نشده‌اند. در اعلامیه مدافعان حقوق بشر، راهنمای اتحادیه اروپا درباره مدافعان حقوق بشر، و نیز برخی سازوکارهای موردی، از زنان مدافع حقوق بشر نام برده شده و از آن‌ها حفاظت شده است؛ اما در مورد صلح‌سازان اینگونه نیست. در نتیجه آن‌ها برای اطمینان از حفاظت‌شان یا دسترسی مقتضی به عدالت — مثل کارشناسان مرتبط در نظام بین‌المللی فعلی — سازوکاری ندارند. این‌جا هم به رسمیت‌شناسی حیطة و ماهیت کار صلح‌سازان مهم است، چون این اولین گام ضروری برای درک مخاطرات پیش‌روی آن‌ها و ارائه حفاظت فیزیکی، قانونی، سیاسی و — در صورت لزوم — حمایت مالی است.

۱۰ برای بحث مفصل‌تر درباره تهدیدات پیش‌روی صلح‌سازان و نحوه اطمینان از حفاظت آن‌ها، رجوع کنید به گزارش قریب‌الانتشار آیکن (ICAN) «حفاظت از زنان صلح‌ساز»، و برای مطالب بیشتر درباره رابطه زنان مدافع حقوق بشر و صلح و امنیت، رجوع کنید به خدمت بین‌المللی برای حقوق بشر، «آیا صلح و امنیت بدون زنان مدافع حقوق بشر ممکن است؟»، ۲۰۱۹:

[http://www.ishr.ch/sites/default/files/documents/ishr\\_whrd\\_report\\_2019\\_web\\_0.pdf](http://www.ishr.ch/sites/default/files/documents/ishr_whrd_report_2019_web_0.pdf)

۱۱ شبکه بین‌المللی اقدام جامعه مدنی (ICAN)، «کارگاه "حفاظت از زنان صلح‌ساز" در لندن تشکیل شد»، ۵ مارس:

[2020http://icanpeacework.org/2020/03/05/protecting-women-peacebuilders-workshop-london-ican](https://2020http://icanpeacework.org/2020/03/05/protecting-women-peacebuilders-workshop-london-ican)

## برچسب‌هایی که می‌تواند مانع یا کمک‌کننده باشد

در حالی که حوزه «زنان، صلح و امنیت» به طور علمی و عملی تحول یافته، اصطلاحات آن با سرعت کمتری انکشاف یافته است. استعمال واژه عمومی «زنان» بدون معرف‌ها و توصیف‌گرها یا بیان تجربه ناهمگون زنان، خصوصا در مورد روندهای رسمی صلح، عملا به این کمبود کمک کرده است.

### زنان

اشاره به «زنان» در مذاکرات صلح معمولا منجر به این مطالبه شده که طرف‌های جنگ یا طرف‌های سیاسی باید زنان را در تیم‌های مذاکره‌کننده شرکت دهند. از دیدگاه فرصت‌های برابر، این مطالبه مطمئنا هدفی مطلوب برای اجندای زنان، صلح و امنیت (WPS) است. اما حامیان و زنان صلح‌ساز همیشه متذکر شده‌اند که مشارکت زنان در تیم‌های مذاکره‌کننده گرچه ضروری است، اما به‌هیچ‌وجه کافی یا تحول‌آفرین نیست.

دلیل خوبی برای احتیاط وجود دارد. همه زنان، صلح‌ساز یا حتی حامی حقوق بشر نیستند. اغلب، مطالبه برای افزایش سهم زنان منجر به انتصاب زنان سیاست‌مدار و دیپلماتی می‌شود که به رهبران حزبی یا دولت‌مدیونند، یا خودشان زنان نظامی و بازیگران امنیتی هستند.

البته ارزش‌ها و اولویت‌های آن‌ها ممکن است همپوشانی و تغییرپذیری داشته باشد. برخی سیاست‌مداران زن، حامی حقوق زنان هستند. برخی در میانجی‌گری مشارکت دارند و برخی دیگر صلح‌سازان فعالی هستند. صلح‌سازانی وارد سیاست شده‌اند و سیاست‌مدارانی به صلح‌ساز بدل شده‌اند. به همین نحو، زنان نظامی در هیئت‌های مذاکره شرکت داده شده‌اند، مثلا در السالوادور در دهه ۱۹۹۰، و آفریقای جنوبی و در روند صلحی که در ۲۰۱۶ در کلمبیا به سرانجام رسید. ولی این پیشفرض که سیاست‌مداران زن یا زنانی که در حوزه امنیت هستند به‌طور خودکار با صلح‌سازان زن همسو هستند، اشتباه است. در واقع، بسیاری از زنان سیاست‌مدار نماینده مواضع تندروها هستند و ممکن است حامیان سرسخت جنگ و استبداد باشند. زنان نظامی، وقتی از شیوه‌های تبعیض‌آمیز یا نتایج تبعیض‌آلود مذاکرات آگاه شده‌اند، به حامیان و متحدان نیرومند جنبش‌های حقوق زنان تبدیل شده‌اند. اما هنوز هم نماینده اهداف احزاب خودشان هستند. با این‌که از دیدگاه تساوی حقوق، آن‌ها باید فرصتی برای مشارکت در مذاکرات پیدا کنند، اشتباه است که فرض کرد آن‌ها مایل یا حتی قادر به دورشدن از خط مشی احزاب خود هستند.

طی سال‌ها، در برخی کشورها وقتی رهبران مرد تحت فشار قرار گرفته‌اند، خواهران، همسران و خویشاوندان خود را به مقامی منصوب کرده‌اند، و عمداً زنانی را که بازیگران کلیدی در صلح‌آفرینی یا رفع ریشه‌ها و عواقب منازعه بوده‌اند، نادیده گرفته‌اند. معمولا زنان منصوب‌شده، مثل مردان، یا وفاداران حزبی هستند یا با جنگ‌سالاران و قدرتمندان پیوندهای محکمی دارند. به این ترتیب، آن‌ها اعتباری برای جنبش‌های صلح ندارند و ممکن است عامدانه برای تضعیف نگرانی‌های مربوط به برابری و دیگر نگرانی‌های جنبش‌های صلح زنان منصوب شده باشند. حتی وقتی زنانی که پیوندهای کلی‌تر با جنبش صلح زنان دارند منصوب می‌شوند، ممکن است با موانعی روبه‌رو شوند و اغلب، هنگام مذاکرات میدان را خالی می‌کنند. این زنان ممکن است در داخل هیئت خودشان با مخالفت مواجه شوند و ادار به اطاعت از دستورات دیگران شوند. علاوه بر این، از آن‌جا که این زنان از آدرس سیاسی شان منصوب می‌شوند، و نه به‌عنوان نمایندگان جنبش‌های صلح و زنان جامعه مدنی، دولت (یا نهادهای اصلی) که اعضای هیئت‌ها را منصوب می‌کنند به‌راحتی می‌توانند آن‌ها را برکنار کنند.

در عمل، صرفا شمولیت یک فرد یا گروهی کوچک از زنان در هیئت‌های موجود، به ندرت ممکن است تحول‌آفرین باشد. عامل تحول در چنین مواردی، مثل گواتمالا در دهه ۱۹۹۰ و کلمبیا در دهه ۲۰۱۰، مشارکت قابل‌توجه جنبش صلح زنان در ساختارهای رسمی روند صلح بوده است، مثل دادگاه‌های جامعه مدنی، کمیسیون‌ها و گروه‌های کاری که هر دو می‌توانند حامی مذاکره‌گران زن باشند و برای مطالبات حیاتی اعمال فشار کنند.

از این گذشته، همان‌طور که در قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل آمده، فراخوان کلی برای افزایش «زنان» در تصمیم‌گیری، همراه است با فراخوانی مشخص برای «اقداماتی که حامی ابتکارات صلح زنان و روندهای بومی برای حل منازعه است» (تاکید اضافه شده)، و در بند ۸ قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل ذکر شده است. بیست سال بعد، همچنان این تعهد، تا حد زیادی تحقق نیافته است.

### شمولیت یک فرد یا گروهی کوچک از زنان در هیئت‌های موجود، به

### ندرت تحول‌آفرین است.





## زنان میانجی

توجه به «زنان میانجی» نیز یکی از اهداف کلیدی در ارکان مشارکتِ اجندا قطعنامه ۱۳۲۵ سازمان ملل است که در بندهای ۱ تا ۴ به تفصیل بیان شده و در قطعنامه‌های بعدی هم تأکید شده است. این در راستای اصل تضمین فرصت‌های برابر زنان برای تصدی سمت‌های حساس در روندهای صلحی است که با میانجی‌گری سازمان‌های بین‌المللی شکل می‌گیرد یا در آن‌ها دولت‌ها اقدامات دیپلماتیک دوجانبه اتخاذ می‌کنند.

ضمناً حضور زنان متخصص امور جنسیتی در تیم‌های میانجی که مشاوران میانجی‌گری در بخش‌های متفاوت دارند ضروری است. آن‌ها می‌توانند شمول بیشتر را در طرح و روند مذاکرات تسهیل کنند. حضور آنها باعث گسترش دامنه موضوعات مورد بحث می‌شود و نیز متضمن جنسیت محور بودن تمام ابعاد مذاکرات صلح شامل امور امنیتی، اقتصادی، سیاسی، عدالت و دیگر اموری که ممکن است پیش آید است.

درخواست حضور زنان میانجی همچنین به رسمیت شناختن نقش تاریخی و اغلب فرهنگی آن‌ها به‌عنوان سخنگویان بافت‌های محلی در هنگام بروز اختلاف به شمار می‌آید. به این ترتیب، مهم است که لزوم حضور زنان میانجی را در روندهای ملی و بین‌المللی به رسمیت شناخت و برجسته کرد.

این عوامل به ظهور شبکه‌های زنان میانجی منطقه‌ای و جهانی در سال‌های اخیر کمک کرده است. اما حضور زنان میانجی یا متخصص در امور جنسیتی درون تیم‌های مذاکره‌کننده گرچه ضروری است، جایگزینی برای نمایندگی، دانش و عملی که زنان صلح‌ساز ملی و بین‌المللی می‌توانند وارد کار کنند نیست.

مطابق تعریف سازمان ملل، میانجی‌گری «روندی است که به موجب آن، طرف ثالث، به دو طرف یا بیشتر و با رضایت خودشان، کمک می‌کند تا از منازعه پیشگیری، آن را مدیریت یا حل و فصل کنند، و این کار را از طریق کمک به آن‌ها برای ایجاد توافقات قابل قبول برای همه طرفین انجام می‌دهد».<sup>۱۲</sup> یک میانجی بنا به تعریف، کسی است «که تلاش می‌کند افراد درگیر در یک منازعه به توافق دست یابند؛ یعنی یک واسطه است».<sup>۱۳</sup> به عبارت دیگر، میانجی‌ها دغدغه‌ها یا دیدگاه سیاسی خودشان را به گفتگوها نمی‌آورند.

در مناطق درگیر منازعه، زنان صلح‌ساز اغلب برای پیشبرد ارزش‌ها و آرمان خود، وظایف میانجی‌گری را انجام می‌دهند. ممکن است آن‌ها میانجی‌های غیررسمی بین طرف‌های جنگ باشند، مثل ایرلند شمالی. ممکن است از طرف جوامع محلی، بین گروه‌های مسلح میانجی‌گری کنند تا حفاظت از آن‌ها یا دسترسی‌شان به خدمات تضمین شود. این میانجی‌گری اغلب با خطرات جانی زیادی برای آنها همراه است. اما طبقه‌بندی زنان صلح‌ساز محلی و محدود کردن آن‌ها به نقش میانجی، عاملیت و صدای سیاسی آن‌ها را از بین می‌برد. در واقع می‌تواند هنجارهای مردسالارانه و نظامی‌گری را تقویت کند؛ هنجارهایی که طرف‌های جنگ (که معمولاً رهبران سیاسی یا نظامی مرد آن‌ها را نمایندگی می‌کنند) از طریق آن‌ها به جاه و مقام رسیده‌اند و به‌عنوان تنها مذاکره‌گران مشروع شناخته شده‌اند و از گروه‌های مختلف در گفتگوهای صلح نمایندگی می‌کنند، و قدرت یافته‌اند تا اولویت‌ها را تعیین کنند، اجندای مذاکرات را تعریف کنند، ترتیب اجرا و ماهیت راه‌حل‌ها را مشخص کنند و در نهایت آینده را معین کنند، در حالی که زنان فقط برای هموارکردن راه آن‌جا حضور دارند.

زنان به‌عنوان میانجی ممکن است در ایجاد سازش‌هایی بین این طرف‌ها بسیار موثر باشند، اما در تعیین اولویت‌ها، اجنداها و نهایتاً آینده، صدایی برابر نداشته باشد. ازین گذشته، وقتی میانجی‌گری آن‌ها تمام شد، اگر امضاکنندگان موافقت‌نامه نباشند، ممکن است کنار گذاشته شوند. چون قدرت به طرف‌های منازعه برمی‌گردد تا از توافق‌نامه‌ها حمایت کنند و آن‌ها را اجرا کنند. با توجه به این‌که توافقات صلح در مرحله اجرا تضعیف می‌شوند، حضور پیوسته بازیگران صلح به‌عنوان میانجی، امضاکننده، و ناظر که بتوانند طرف‌های دیگر را مسئول نگه دارند، مهم است.

همان‌طور که ذکر شد، بین کار صلح‌سازان و میانجی‌ها همپوشانی زیادی وجود دارد. بسیاری از افراد هر دو نقش را دارند. اما درعین حال باید تمایزی که وجود دارد را مورد توجه قرار داد: تمایز میان صلح‌سازان محلی که از خود جوامع جنگ‌زده می‌آیند و تصمیم می‌گیرند در رفع بدون خشونت منازعه مشارکت کنند، و بازیگران بین‌المللی که ممکن است صلح‌ساز یا دیپلمات باشند، اما بخشی از جوامع محلی که مستقیماً درگیر منازعه هستند، نیستند.

۱۲ سازمان ملل، راهنمای میانجی‌گری موثر، ۲۰۱۲:

[http://peacemaker.un.org/sites/peacemaker.un.org/files/GuidanceEffectiveMediation\\_UNDPA2012%28english%29\\_0.pdf](http://peacemaker.un.org/sites/peacemaker.un.org/files/GuidanceEffectiveMediation_UNDPA2012%28english%29_0.pdf)

۱۳ همان منبع.

## زنان مدافع حقوق بشر

اصطلاح «زنان مدافع حقوق بشر» تاریخی طولانی‌تر از اصطلاح «صلح‌ساز» دارد و اغلب به‌عنوان عبارتی همه‌منظوره برای اشاره به زنان صلح‌ساز در بافت منازعات به‌کار می‌رود. کمشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)، زنان مدافع حقوق بشر را این‌گونه تعریف می‌کند:

«هم زنان مدافع حقوق بشر، و هم دیگر مدافعان حقوق بشر که در دفاع از حقوق زنان یا مسائل جنسیتی فعالیت می‌کنند».<sup>۱۴</sup>

اصولا «حقوق زنان یا مسائل جنسیتی» باید دربردارنده تجارب منازعات، و نیز دیدگاه‌ها و کنشگری زنان برای جلوگیری از منازعات خشونت‌بار و ستم باشد. اما در عمل، با گذشته ۲۰ سال از اجندا زنان، صلح و امنیت (WPS)، اصطلاح «حقوق زنان» و «مسائل جنسیتی» هنوز تا حد زیادی به مسائل اجتماعی-اقتصادی یا مشارکت سیاسی کلی تقلیل داده می‌شود.

باتوجه به تازگی نسبی این حوزه و به رسمیت شناختن کماکان محدود زنان صلح‌ساز، نحوی چارچوب‌بندی زنان مدافع حقوق بشر می‌تواند منجر به این شود که زنان صلح‌ساز از مباحثات مربوط به مسائل امنیتی، از جمله مذاکرات آتش‌بس یا تقسیم قدرت کنار گذاشته شوند، چون ابعاد جنسیتی چنین مسائلی به‌طور گسترده درک نشده است. این عملا می‌تواند نقش زنان را طوری تقلیل دهد که فقط درباره آن چه که به‌طور سنتی «مسائل زنان» یا حقوق قانونی زنان دانسته می‌شد صحبت کنند. این‌گونه مسائل، ضروری هستند، اما این نوع چارچوب‌بندی آن‌ها را از به‌چالش کشیدن شرایط بنیادی که منجر به تبعیض و خشونت می‌شود باز می‌دارد.

زنان صلح‌ساز همچنین تصمیم می‌گیرند در تدوین راه‌حل‌های جامع برای منازعات لاینحل شرکت کنند. از یمن تا کلمبیا، زنان صلح‌ساز به مسائل امنیتی دشوار رسیدگی می‌کنند: از نظارت بر آتش‌بس، مذاکره برای آزادی زندانیان، و خلع سلاح و افراط‌زدایی شبه‌نظامیان، تا رویکردهایی برای طرح مذاکرات صلح، سیستم‌های حکومت‌داری، عدالت یا آشتی، حل و فصل منازعات بر سر منابع طبیعی و دیگر مسائل کلیدی از قبیل اصلاح بخش امنیت، مخارج نظامی و اموری که تمام بخش‌های جامعه را متاثر می‌کند. این‌ها همه اموری جدی و حیاتی هستند، و ندرتا به‌طور سنتی «مسائل زنان» بوده‌اند. این زنان تعدادشان کمتر است، اما معمولا در سطوح محلی و ملی فعال‌ترند، و ممکن است نسبت به کارورزان باسابقه‌تر در حوزه توسعه و حقوق زنان کمتر دیده شوند.

ازین گذشته، همان‌طور که در ذیل بحث شده، زنان صلح‌ساز اغلب از طریق کارشان به‌عنوان ارائه‌دهندگان خدمات و کمک‌های بشردوستانه به جوامع محلی شناخته می‌شوند. زنان صلح‌ساز، با جلوگیری از استخدام پسران (و دختران) از سوی شبه‌نظامیان، یا کار با رهبران مذهبی و قبیله‌ای برای کاهش اختلافات یا پایان خشونت، اغلب حقوق‌نه‌تها زنان که همچنین گروه‌های دیگری را که از منازعه در جوامع‌شان متاثر شده‌اند استیفا می‌کنند.

این تمایزات در بسیاری موارد ممکن است اختیاری یا اجباری به‌نظر برسد. زنان مدافع حقوق بشر اغلب صلح‌ساز هم هستند، و زنان صلح‌ساز هم از حقوق زنان حمایت و دفاع می‌کنند و رویکردهای مبتنی بر حقوق بشر را در فعالیت‌های خود ادغام می‌کنند. اما ویژگی‌های کلیدی متمایزکننده‌ای بین رویکردهای کارورزان حقوق بشر و کارورزان صلح وجود دارد. ویساکا دارماداسا، به‌عنوان صلح‌ساز و مؤسس انجمن زنان متاثر از جنگ (AWAW) می‌گوید:

اساسی‌ترین و مشهودترین تفاوت این است که زنان مدافع حقوق بشر روی حقوق مردم کار می‌کنند و از کار مستقیم با مرتکبان خشونت خودداری می‌کنند، اما زنان صلح‌ساز باید با مجرم قطعی گفتگو کنند. مهم‌ترین راهبرد ما اصل شمولیت است. ما همیشه از این سیاست حمایت می‌کنیم و قویا باور داریم که هر کسی می‌تواند تغییر کند، و ما باید برای این تغییر فضا ایجاد کنیم. چون این تغییر می‌تواند مانع کشتارها شود و جان مردم را نجات دهد، صرف‌نظر از آن‌که به کدام طرف تعلق دارند. ما ریسک‌هایی تقبل می‌کنیم که نادیده گرفته می‌شود. چون ما با مجرمان حرف می‌زنیم، به ما برچسب خائن می‌زنند، و گاهی از سوی همه طرف‌ها تهدید می‌شویم، ولی ما بازهم با همه گفتگو و ملاقات می‌کنیم. وقتی زنان مدافع حقوق بشر ما را طرد می‌کنند یا به خاطر تمایل مان به گفتگو با مجرمان، ما را به جانبداری از آن‌ها متهم می‌کنند، ممکن است تنش‌هایی بروز کند.<sup>۱۵</sup>

۱۴ شورای حقوق بشر ملل متحد، گزارش گزارشگر ویژه درباره وضعیت مدافعان حقوق بشر، HRC/A/16/44، ۲۰ دسامبر، ۲۰۱۰: <http://undocs.org/A/HRC/16/44>

۱۵ مکاتبه شخصی، جون ۲۰۲۰.

# روز بر وضعیت تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان د بخوپر و راندي د تاوتریخوالي د مخنيوي قانون د پلي کیدو وضعیت ته بیا کتنه

## Review the Status of implementation of the Law on preventing Violence against Women 2019



### زنان صلح ساز اغلب از طریق کارشان به عنوان ارائه دهندگان خدمات و کمک های بشردوستانه به جوامع محل شناخته می شوند.

در این ارتباط، مدافعان حقوق بشر و صلح سازان رویکردهای متفاوتی نسبت به عدالت و آشتی دارند. صلح سازان در همه مناطق جنگ زده درک می کنند که صلح مستلزم خلق بسترها و ظرفیت های مشترک، و اغلب سازش های دشوار است. این خصوصاً در بحث عدالت برای قربانیان، از حساسیت ویژه ای برخوردار است، چون اغلب برای تحقق آتش بس ها و موافقت نامه ها، نیاز است تا تقاضا برای عدالت – خصوصاً عدالت جزایی – تعدیل و با آشتی و عفو ترکیب شود. بنا به تعریف، این امر به معنای آن است که بسیاری از مرتکبان خشونت ممکن است مصونیت پیدا کنند. صلح سازان، خصوصاً آن هایی که خودشان قربانی خشونت بوده اند یا عزیزان شان را در جنگ از دست داده اند، دشواری این واقعیت را درک می کنند. درخواست از قربانیان و باز ماندگان برای تعریف نسخه خودشان از عدالت و تصدیق رنج های آنان، می تواند صلح سازان را در برابر حمله و سوء رفتار آسیب پذیر کند. آن طور که مونیکا مک ویلیامز، یکی از شخصیت های پیشگام در ائتلاف زنان ایرلند شمالی می گوید، او را به بی تفاوتی نسبت به نیازهای قربانیان و «گفتگو با تروریست ها» متهم کردند.<sup>۱۶</sup>

تکامل ۲۰-ساله اجندای زنان صلح ساز، فضای را برای به رسمیت شناسی بیشتر نقش زنان در منازعات و روندهای صلح باز کرده است. بین گروه های مختلف شباهت ها و تقاطع های فراوانی وجود دارد (رجوع کنید به نمودار). اما تمایزاتی هم هست. با توجه به حضور عملی زنان صلح ساز و دادخواهی آنها برای صلح، شاید بدیهی به نظر برسد که زنان صلح ساز تا امروز گروهی شناخته شده و رسمیت یافته در جریان اصلی جامعه صلح و میانجی گری باشند. اما کماکان نادیده مگرفته می شوند، طرد می شوند، و عمدتاً، حضورشان تصدیق نمی شود. چیزی که این وضع را بدتر می کند، فقدان دوام دار دیدگاه های جنسیتی و عدم ترسیم جنسیتی بازیگران صلح در تحلیل منازعات است. تجارب و عاملیت زنان همیشه دست کم گرفته شده یا نادیده گرفته شده، یا تحت الشعاع قرار گرفته است. علاوه بر این، هنوز این گرایش وجود دارد که زنان صلح ساز به عنوان افرادی منحصر به فرد و استثنایی دیده شوند، به جای آن که این اجتماع جهانی و پویای کارورزان صلح که بسیاری از آنها ریشه در شبکه های محلی دارند، به رسمیت شناخته شود.

۱۶ آیویلا کیلمورای و مونیکا مک ویلیامز، «تقلا برای صلح: چگونه زنان ایرلند شمالی وضع موجود را به چالش کشیدند»، ژورنال سلوشنر ۲، شماره ۲، (فوریه ۲۰۱۱).



## زنان صلح‌ساز: انگیزه‌ها، اقدامات و رویکردها

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، زنان صلح‌ساز با موانعی مضاعف مواجه هستند: تبعیض جنسی، و کار در حوزه فعالیت‌هایی که نسبتاً بی‌قاعدگی و ناشناخته به نظر می‌رسد.

ابداع واژه «صلح‌سازی»، به یوهان گالتونگ، جامعه‌شناس نروژی، نسبت داده می‌شود و هدف از این کار، ایجاد تمایز با اصطلاحات «صلح‌بانی» و «صلح‌آفرینی» بود. منطق گالتونگ این بود که صلح فی‌نفسه چیزی بیش از عنصر نظامی صلح‌بانی یا تلاش‌های دیپلماتیک برای صلح‌آفرینی است.<sup>۱۷</sup> بلکه یک ساختار اجتماعی پیچیده است و شامل جنبه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی می‌شود که «ریشه‌های جنگ را از بین می‌برد و در شرایطی که ممکن است جنگ رخ دهد، جایگزین‌هایی را برای جنگ ارائه می‌دهد».<sup>۱۸</sup> گالتونگ در تأکید بر ضرورت پرداختن به ریشه‌های منازعه، همچنین بر اهمیت ظرفیت‌های محلی و پایین‌به‌بالا برای مدیریت و حل و فصل منازعه و ایجاد فرهنگ صلح مثبت - یعنی نه صرفاً نبود خشونت - تأکید می‌کند.

در سال ۱۹۹۲، اجندای صلح دبیرکل سازمان ملل، تعریفی ساده‌شده از «صلح‌سازی» پس از منازعه ارائه کرد: «اقدامی برای شناسایی و حمایت ساختارهایی که به تقویت و تحکیم صلح برای اجتناب از بازگشت به جنگ کمک خواهند کرد».<sup>۱۹</sup> ژان پل لدراک جامعه‌شناس آمریکایی، هم به این بحث کمک کرد و نقش بازیگران متعدد از جمله سازمان‌های غیردولتی را در روندهای ایجاد صلح پایدار مورد توجه قرار داد.<sup>۲۰</sup>

تعاریف دیگری هم وجود دارد که حوزه فعالیت‌ها، بخش‌ها، اقدامات و زمان لازم برای شامل کردن رویدادها را هم‌زمان و بعد از آغاز خشونت، گسترده‌تر می‌کند. این تعاریف همچنین مستلزم مشارکت سازنده گروه‌های شخصی، اجتماعی و سیاسی هستند. گرچه هنوز بین طیف ذی‌نفعان - از جمله دولت‌ها، سازمان‌های چندجانبه، عرصه آکادمیک و کارورزان جامعه مدنی - هیچ تعریف روشن و پذیرفته‌شده‌ای از «صلح‌سازی» وجود ندارد، اتفاق آرا این است که هدف از فعالیت‌های صلح‌سازی، رفع بی‌عدالتی به شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز و تلاش برای تحول در رابطه و شرایطی است که «منجر به درگیری مرگبار و ویرانگر می‌شود».<sup>۲۱</sup>

این تعاریف مفید اما ناقص‌اند. گرچه «صلح/Peace» در این اصطلاح نقش محوری دارد و «سازي/Building»)» تلویحاً یعنی ساختن، خلق کردن و آفریدن، این تعاریف نهایتاً به بحث جلوگیری از منازعه برمی‌گردند، و نه ساختن یا خلق یک ساختار مثبت جایگزین با هدف:

- مدیریت تنوعات، از جمله اختلافات اجتناب‌ناپذیری که ممکن است بروز کند؛ و
  - اتکا بر نیرویی که به قول گالتونگ، عوامل متنوع اجتماعی-سیاسی و فرهنگی برای تحقق و پرورش فرهنگ صلح ارائه می‌کنند.<sup>۲۲</sup>
- ازین گذشته، تعاریف یادشده عمدتاً فنی و مبتنی بر اقدام است و «بازیگران» را به حساب نمی‌آورد؛ مثلاً واضح نمی‌سازد که، صلح‌ساز کیست؟ آیا انگیزه‌ها، جایگاه اجتماعی، یا تجارب زندگی‌شان اهمیت دارد و اگر چنین است، چگونه؟

من برای این بحث، روی آن دسته از زنان صلح‌ساز تمرکز کرده‌ام که در محیط‌های محلی و ملی خودشان فعالند و به عرصه بین‌المللی دسترسی دارند. به منظور دفاع از این ضرورت که آن‌ها به‌عنوان طبقه‌ای از کارورزان به رسمیت شناخته شوند، این گروه را بر اساس سه سوال تحلیل کردم:

- این زنان چگونه صلح‌ساز شدند؟ چرا وارد کار صلح‌سازی شدند؟ انگیزه‌های آنان چیست؟
- چه نوع فعالیت‌هایی انجام می‌دهند؟
- چگونه در صلح‌سازی مشارکت، و رویکردهای خود را تعیین می‌کنند؟

طی دو دهه گذشته، زنان صلح‌ساز مطالب متعددی منتشر کرده‌اند. برخی محققان، مطالعاتی میان‌کشوری را منتشر کرده‌اند که چکیده‌ای از کارها و

۱۷ یوهان گالتونگ، «سه رویکرد به صلح: صلح‌بانی، صلح‌آفرینی، و صلح‌سازی»، اثر علم بر جامعه ۲۵، شماره ۹، (۱۹۷۶): ۳۰۴-۲۸۲.

۱۸ همان منبع

۱۹ پطرس پطرس غالی، اجندای برای صلح (نیویورک: سازمان ملل، ۲۰۰۲).

۲۰ ژان پل لدراک، ساختن صلح: آشتی پایدار در جوامع از هم‌گسیخته (واشنگتن، دی.سی.: انتشارات انستیتوت صلح ملل متحد، ۱۹۹۸).

۲۱ ریتز دوفور، واقعیات «واقعیات» - بخش ۴: واقعیت پشت‌پرده حصول صلح جهانی - تحقیق کامل، ۵ اپریل، ۲۰۲۰.

۲۲ گالتونگ، «سه رویکرد به صلح»، ۱۹۷۶.



رویکردهای زنان صلح‌ساز است.<sup>۲۳</sup> علاوه بر این‌ها، مراکز آکادمیک و سازمان‌های غیردولتی، تجارب و کارهای زنان صلح‌ساز را مستند کرده‌اند.<sup>۲۴</sup> با ظهور نسل جدیدی از زنان در این حوزه، و همچنین بروز منازعات تازه، تلاش‌های آن‌ها شایسته مستندسازی، تحلیل و درک بیشتری است، چون آن‌ها اغلب در حال کشف رویکردها و کسب دستاوردهایی هستند که در فضای بین‌الملل و محیط‌های علمی ناشناخته باقی می‌ماند.

**«برای مدافعان حقوق بشر، ما هم‌اکنون راهبردی [برای حفاظت] داریم... ما نظام‌های حقوق شهروندی و دیگر نظام‌ها را داریم؛ ، هرچند با کمبودهایی، اما هست. نظام وجود دارد. راهبردها و شیوه‌های پیشگیری و کارگاه‌ها و تامین مال و همه این‌ها هم‌اکنون وجود دارد. جایه که این‌ها وجود ندارد، عرصه کار صلح‌سازان است، برای همین فکر می‌کنم فقط تعریف ذکر شده و به رسمیت شناختن به ما کمک می‌کند تا به پیش برویم.»**

— مونا لقمان، برنامه غذا برای صلح، یمن

<sup>۲۳</sup> رجوع کنید به صنم نراقی، زنان صلح می‌سازند: چه می‌کنند، چرا کارشان مهم است (بولدر، کلرادو: انتشارات لین رایتر، ۲۰۰۷)؛ همچنین کیت فیرون، کار زنان: داستان ائتلاف زنان ایرلند شمالی (بلفاست (ایرلند شمالی)، ایرلند: انتشارات بلک استاف، ۲۰۰۰)؛ و منابع سازش، «زنان صلح‌ساز»، آکورد اینسایت، مارچ ۲۰۱۳:

<http://www.c-r.org/accord/women-and-peacebuilding-insight/women-building-peace>

<sup>۲۴</sup> برای نمونه، رجوع کنید به انتشارات موسسه امنیت همه‌جانبه، در آدرس <http://www.inclusivesecurity.org/research-and-publications-library> انتشارات و منابع مدرسه عالی مطالعات صلح جوان بی. کراک، در آدرس <http://www.sandiego.edu/peace/institutes/ipj/peace-resources.php> و فعالیت‌های انستیتو جورج تاون برای زنان، صلح و امنیت، در آدرس <http://giwps.georgetown.edu/priority/peacebuilding>

## تبدیل شدن به یک صلح‌ساز: سینه سپر کردن در برابر مشکلات و تقبل مسئولیت

بیش از دو دهه بحث و مصاحبه با زنان صلح‌ساز در مناطق درگیر منازعه مختلف نشان داده که در روند تبدیل شدن آن‌ها به صلح‌ساز، اشتراکات متعددی وجود دارد. صلح‌ساز شدن اغلب ناشی از تجربه‌ای متحول‌کننده مبتنی بر تجربه یا مشاهده مستقیم آثار منازعات خشونت‌بار است. همان‌طور که در ادامه بحث می‌شود، انگیزه‌های این افراد ناشی از میل به یافتن راه‌حل‌ها، صلح و التیام هم برای خود و هم برای جوامع است.

برای بسیاری، انگیزه و اقدامات اولیه به‌طور غریزی ظاهر می‌شود و ناشی از حس مراقبت برای اعضای آسیب‌پذیر جامعه‌شان و احساس مسئولیت در قبال آن‌هاست. مونا لقمان، شاعر یمنی که صلح‌ساز شد، می‌گوید اولین عامل صلح‌ساز شدنش، مشاهده گرفتار شدن خانواده‌ها در آتش جنگ یمن بود که از هر طرف به سرشان می‌بارید. او و دیگران وارد عمل شدند تا به افرادی که در معرض خطر بودند یاری برسانند، اما انجام این کار مستلزم مذاکره با گروه‌های مسلح برای آتش‌بس و اجازه عبور امن شهروندان و کمک‌های بشردوستانه بود. کار او کم‌کم به سمت خلع سلاح و ادغام مجدد پسران و مردان جوانی رفت که برای جنگ استخدام شده بودند. رویکرد لقمان، جایگزینی مثبت و صلح‌آمیز برای جنگ با پیام ساده «قلم، نه تفنگ» و ایجاد تیم‌هایی از جوانان برای ارائه کمک و یاری به مردم ارائه کرد.<sup>۲۵</sup>

فاطمه البهادلی در جنوب عراق هم تجربه مشابهی دارد. او معلمی بود که در دهه ۱۹۹۰ لباس و غذا برای خانواده‌های جنگ‌زده تهیه می‌کرد. کار او ادامه پیدا کرد و پس از اشغال عراق از سوی آمریکا در ۲۰۰۳ گسترش یافت. او به‌خاطر خدمات بشردوستانه‌ای که ارائه می‌کرد، به کتله وسیعی از جامعه شهر بصره دسترسی داشت و از اعتماد آنان برخوردار بود. پس از شکل‌گیری ملیشه‌های فرقه‌گرا، البهادلی با پیشنهاد غذا و لباس به سراغ آن‌ها رفت و مردان جوان و نوجوانان را به صورت آنلاین با روایتی جایگزین از انجام وظیفه دینی از طریق خدمت به جامعه، و نه خشونت، آشنا کرد. او در سال ۲۰۱۴ رویکرد خود را این‌گونه توضیح داد: «به آن‌ها می‌گفتم جهاد یعنی اهدای خون در بیمارستان‌ها، نه ریختن آن در خیابان‌ها.»<sup>۲۶</sup>

عبور از مرحله یاری‌رسانی و کمک‌های بشردوستانه به مرحله میانجی‌گری بین گروه‌های مسلح یا بازیگران دولتی، و آموزش و بسیج محلی برای همزیستی، وجه مشترک زنان صلح‌ساز در تمام کشورهاست. اغلب آن‌ها از وجود کلمه «صلح‌سازی» خبر ندارند اما درگیر این کار هستند. برای بسیاری، فرض اولیه این است که «صلح» ذاتاً به امنیت نظامی مربوط می‌شود و در نتیجه فقط کار سیاست‌مداران و بازیگران دولتی است. مثلاً نجلا شیخ، پناهنده سوری که برای پناهندگان زن سوری در ترکیه اقدامات حمایتی انجام می‌دهد، می‌گوید، «نمی‌فهمیدم "صلح‌سازی" چیست. فکر می‌کردم کار سیاست‌مداران است. وقتی مانع بازگشت پسر به سوریه و پیوستن به داعش شدم و با زنان دیگر صحبت کردم تا مانع رفتن پسران‌شان شوند، فهمیدم که من هم یک صلح‌ساز هستم.»<sup>۲۷</sup>

زنان صلح‌سازی که در سطح ملی و بین‌المللی کار می‌کنند، متوجه هستند که در مقایسه با هموطنان‌شان ممکن است سِمَت‌هایی ممتاز را عهده‌دار شوند. این سِمَت‌های مسئولیت به همراه دارد، باید به جای کسانی که نمیتوانند عمل کنند، سخن بگویند و دادخواهی کنند. آن‌طور که دکتر نیلام راینا می‌گوید، کنشگری او برای صلح، از یک راهپیمایی در دهلی در اعتراض به تسلیحات هسته‌ای آغاز شد. او می‌گوید، «دانستن این‌که فقط بعضی از ما امتیاز رفتن به "جاهای صلح‌آمیز" را داریم»، نیروی محرکه او برای ماندن و تداوم تعهدش به صلح‌سازی بود.<sup>۲۸</sup>

در بسیاری از موارد، امتیاز زنان ناشی از جایگاه خانوادگی و پیوندهای خویشاوندی آن‌هاست. این امتیاز به آن‌ها قدرت و نفوذ محلی می‌بخشد. در عمل، زنان صلح‌ساز از خود به‌عنوان پل‌هایی بین جامعه و دولت، یا بین جناح‌های متخاصم استفاده می‌کنند. گاهی صلح‌سازان محلی از میان نخبگان محلی ظهور می‌کنند. این‌ها ریشه‌هایی عمیق در میان جوامع دارند و از احترام مردم بهره می‌برند، در حالی که عضوی از قبایل، طوایف، یا خاندان‌های سیاسی نخبه هستند.

همستو الامین برای کارش در مناطقی از شهر مایدوگوری در نیجریه که تحت تأثیر گروه بوکوحرام بود، شهرتی روزافزون یافته است. او از دانش و تخصص دینی و اسلامی برای مقابله با (سوء)تفسیرهای آن‌ها، و نیز پیوندهای عمیق موجود در جامعه محلی خودش استفاده می‌کند. مثل بسیاری دیگر از افراد، کار صلح‌سازی او با تغییر شرایط در منطقه سکونتش تکامل یافت. آن‌چه که ابتدا میانجی‌گری محتاطانه با رهبری اولیه بوکوحرام بود، تکامل یافت و به‌صورت شبکه‌هایی برای زنان قربانی و خانواده‌ها – و نیز تلاش برای افراط‌زدایی و ادغام مجدد روانی – اجتماعی زنان و دخترانی که می‌خواستند بمب‌گذار انتحاری شوند درآمد.

۲۵ مکاتبه شخصی با مولف، ژوئن ۲۰۲۰.

۲۶ فاطمه البهادلی (رئیس جمعیه‌الفردوس عراق)، مصاحبه با مولف، استانبول، ترکیه، ۱۴-۱۳ مه، ۲۰۱۴.

۲۷ تالارهای گفتگوی آیکن، کلمبو، سریلانکا، نوامبر ۲۰۱۸.

۲۸ مکاتبه شخصی با مولف، مه، ۲۰۲۰.





## توقف چرخه درد، معنا بخشیدن به مصیبت

مشارکت خود من در صلح‌سازی ناشی از مشاهده آشوب‌های انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ م. (۱۳۵۷ ه.ش.) و تجربه زندگی در تلاطم آن انقلاب است که خانواده‌ام را متلاشی و ما را به‌عنوان تبعیدی و پناهنده در گوشه و کنار دنیا پراکنده کرد. گاهی ورود به فعالیت صلح، ناشی از آوارگی است، یا تجربه مستقیم مشقات جنگ و منازعه، و انگیزه برای جلوگیری از تکرار چنین آسیبی برای دیگران.

روبینا روبیمبوا، اهل اوگاندا، هم‌بنیان‌گذار و مدیر اجرایی ائتلاف برای اجرای قطعنامه ۱۳۲۵، با اشاره به همین موضوع می‌گوید، «مجبور شدم با دو فرزند ۲ ساله و ۶ ماهه خود از کشورم فرار کنم، و هفت سال به‌عنوان پناهنده در تبعید زندگی کنم. برادرم مُرد و نمی‌توانستم برای خاکسپاری او به خانه برگردم. وقتی در اوگاندا صلح برقرار شد، برگشتم و تصمیم گرفتم وارد فعالیت صلح‌سازی شوم تا هیچ‌کس دیگری مجبور به تبعید نشود.»<sup>۲۹</sup>

درک و کشف انسانیت در وجود مرتکبان خشونت راهی برای تحمل و التیام است. برای بعضی‌ها، ورود به فعالیت صلح، در نتیجه ناپدید شدن، رنج و یا مرگ اعضای خانواده تسریع می‌شود. لوسی، یک صلح‌ساز فلسطینی که پدرش به دست نیروهای اسرائیل کشته شد، می‌گوید، «حس انتقام ممکن است بسیار قوی باشد». ولی او می‌افزاید، «نامعقول بودن اصل "چشم در برابر چشم" که همه را کور می‌کند، انگیزه برقراری عدالت را تبدیل به راه بدیل می‌کند.»<sup>۳۰</sup>

نیاز به معنا بخشیدن به مصیبت از دست دادن یکی از عزیزان و اطمینان از این‌که این درد بیهوده نباشد، باعث می‌شود برخی به مسیر صلح‌سازی وارد شوند. این امر ناشی از تمایل به خلق میراثی خوب برای جان از دست رفته است و نیز باعث می‌شود زنان در پی درک انگیزه‌های خطاکاران باشند. ویساکا دارماداسا، صلح‌ساز سریلانکایی بعد از مفقود شدن پسرش — که یک سرباز اردوی ملی بود — در سال ۱۹۹۸، وارد این کار شد؛ او می‌گوید، «یک انگیزه اصلی این است که سعی کنیم دلایل بی‌رحمی و رفتار کسانی را که عامل خشونت بودند، بفهمیم.»<sup>۳۱</sup>

دارماداسا گروهی از مادران نظامیان مفقود را در جنگل‌ها هدایت کرد تا مستقیماً با اعضای گروه ببرهای تامل (LTTE) ملاقات کند. این جستجو برای آگاهی، همچنین روشی برای درک منطق اقدامات آن‌هاست. دارماداسا می‌گوید، «خیلی سخت است. ولی راهی به سوی التیام است.»

آن‌طور که جنیفر فریمن، مدیر اجرایی پیس‌گیکس (PeaceGeeks) و مدیر سابق برنامه زنان صلح‌آفرین در انستیتو جُوآن بی. کراک برای صلح و عدالت در دانشگاه سن‌دیگو، می‌گوید:

**«رویکرد زنان صلح‌ساز این است که تلاش کنند رنج طرف مقابل را تاحدی درک کنند، و باهم التیام پیدا کنند، یا دست کم مشترکات [با رنج عامل خشونت] پیدا کنند، طوری که برای همه التیام جداگانه وجود داشته باشد.»<sup>۳۲</sup>**

این عبور از مسیر درد، حس انتقام و خشم، جستجوی عدالت، تفاهم، التیام و حتی بخشایش، چیزی است که بسیاری از زنان صلح‌ساز آن را در خود نهادینه می‌کنند. همان‌طور که خدیجه عرفاوی، دکتر تونسی، که پسر و عروسش در حمله تروریستی شب سال نو در استانبول در ۲۰۱۵ کشته شدند، می‌گوید، «زندگی من نابود شده، ولی بازهم محکم علیه مجازات مرگ می‌ایستم [...] چون مرده را به زندگی بر نمی‌گرداند». دکتر عرفاوی، با وجود این اعتقاد، مصمم است که عاملان این خشونت نه تنها باید در پیشگاه عدالت حاضر شوند، بلکه عمق رنجی را که مسبب آن شده‌اند درک کنند. «من تلاش خواهم کرد تا او [فرد خاطی] در زندان به مجازات جنایاتش برسد و هم‌زمان درباره زندگی بیاموزد و بداند که چرا این قدر گرانبها و عزیز است.»<sup>۳۳</sup>

این زنان، دقیقاً به‌خاطر زیان‌های شخصی خودشان، از مشروعیت و اعتبار عمومی برخوردارند. آن‌ها تلاش می‌کنند تا تجربه سفر خود به سوی صلح و آشکالی از عدالت ترمیمی را در سطح اجتماع تکثیر و تولید کنند.

۲۹ مکاتبه شخصی با مولف.

۳۰ همان منبع

۳۱ همان منبع

۳۲ همان منبع

۳۳ مکاتبه شخصی با مولف.

## مشورت، اعتماد، و مسئولیت نمایانند نیازهای جامعه

زنان صلح‌ساز معمولاً شکاف بین روندهای سیاسی رسمی و جامعه را پُر می‌کنند. زنان به‌عنوان صلح‌سازان محلی، نفوذی را که سیاسیون و رهبران مذهبی ممکن است داشته باشند، ندارند. آن‌ها قدرت خود را با استفاده از تفنگ یا ترس و ارباب اعمال نمی‌کنند. اعتبار و نفوذ آن‌ها ناشی از اعتمادی است که بین اجتماعات و بین اعضای آن ایجاد کرده‌اند و توانسته‌اند حتی در دشوارترین زمان‌ها آن را حفظ کنند. شکل‌گیری این نوع اعتماد زمان می‌برد و اغلب ریشه در کارنامه خدمات آن‌ها به جوامع‌شان، تهیه غذا و کمک در دوران مشقت، رسیدگی به نارضایتی‌ها، یا کمک به تحقق آرمان‌های مردم، ریشه دارد.

لقمان می‌گوید، «جامعه مدنی و زنان دغدغه‌های مردم را بیان می‌کنند». در همه مناطق درگیر منازعه، زنان صلح‌ساز در پی این بوده‌اند تا ارتباط بین مذاکره‌کنندگان دور میز گفتگو و جامعه مدنی حفظ شود «تا مردم از آن‌چه در میز مذاکره رخ می‌دهد، باخبر باشند». <sup>۳۴</sup> روزا امیلیا سالامانکا اضافه می‌کند، «اگر این پیوند را نداشته باشید، مردم نمی‌دانند که باید از روند صلح حمایت کنند یا نه». <sup>۳۵</sup>

نجلا شیخ نیز، که سوری است، همین‌طور فکر می‌کند. او به یاد می‌آورد که در ژانویه ۲۰۱۸ وقتی که به اتاق جامعه مدنی سازمان ملل برای میانجی‌گری در سوریه دعوت شد، حس می‌کرد که مسئولیت بزرگی برای جلب توجهات به مصیبت ملکبان گرفتار در ادلب دارد. او در مکاتبات شخصی خود نوشت، «در واقعیت، اوضاع در ادلب بسیار وخیم‌تر از تصور ماست. شرایط انسانی بسیار بد است. نمیدانم چه‌طور کودکان، زنان، و حتی مردان، و سال‌خورده‌گان سرمایه‌شدید و زیر صفر را بدون خانه و سرپناه تحمل می‌کنند. زنانی که من با آن‌ها در ادلب تماس دارم می‌گویند ساده‌ترین نیاز ما حمام کردن است. آن‌ها می‌گویند، "وقتی پی‌یو‌دی می‌شویم، اصلاً نوار بهداشتی‌ای نیست که استفاده کنیم، و حتی نمی‌توانیم حمام کنیم"». <sup>۳۶</sup>

نجلا هیچ تعهد رسمی ندارد که منتقل‌کننده نیازهای این آوارگان جنگ داخلی باشد. عملیات‌های بشردوستانه چندمیلیون دلاری وجود دارد که این کار را انجام دهند. اما او هم مثل بقیه زنان صلح‌ساز، بار مسئولیت را به دوش می‌کشد و معتقد است که با دعوت‌شدن و حضور در اتاق جامعه مدنی سازمان ملل در ژنو، موظف است که این کار را بکند و این مسئولیت اوست.

در جریان گفتگوهای صلح بین «ارتش مقاومت خدای» و دولت اوگاندا در ۲۰۰۶، این نمایندگان ائتلاف صلح زنان در جوبا بودند که جوامع محلی را در اوگاندا از شمالی از آخرین اخبار مذاکرات مطلع می‌کردند، و به این ترتیب آن‌ها هم توانستند به شورشیان فشار آورند که بمانند و مذاکره کنند تا این که توافقی حاصل شد.

### «ما به‌عنوان زنان صلح، نباید از مجازات مرگ حمایت کنیم».

#### دکتر خدیجه عرفاوی، انجمن دال و سندا برای صلح تونس

تمایل به تبدیل‌شدن به کانال‌های ارتباطی و پیام‌آوران اعتماد بین طرف‌ها و همچنین به‌حاشیه‌رانده‌شدگان و بی‌صدایان، یعنی این که زنان صلح‌ساز از سوی جوامع و حوزه‌ها مورد اعتماد قرار می‌گیرند تا نگرانی‌ها، مواضع و مطالبات مردمی را که از درگیری‌ها آسیب دیده‌اند مطرح کنند.

کیت فیرون، یکی از اعضای مؤسس ائتلاف زنان ایرلند شمالی (NIWC) و یکی از مذاکره‌گران پیمان جمعه نیک در ۱۹۹۸، به اهمیت ارتباط و انتقال صداها و نگرانی‌های رای‌دهندگان حوزه‌های مختلف اشاره می‌کند. «ما مشغول ارتباط‌دادن مردم شدیم؛ برای ما، مهم بود که فراموش نکنیم از کجا آمدیم [جنبش زنان]». <sup>۳۷</sup> اعضای این ائتلاف، شکاف کاتولیک-پروتستان را از بین بردند. گرچه آن‌ها در بسیاری موارد باهم اختلاف داشتند، در

۳۴ مکاتبه شخصی با مولف.

۳۵ همان منبع

۳۶ مباحثات سمپوزیوم صلح بهتر، آیکن، نیویورک، می ۲۰۱۹.

۳۷ برنامه مشورتی سمپوزیوم صلح برتر آیکن، نیویورک، می ۲۰۱۹.



مورد سه ارزش اساسی اتفاق نظر داشتند که مواضع آن‌ها را هدایت می‌کرد: طبیعت از حقوق بشر، برابری، و اصل همه‌شمولی. به این ترتیب، آن‌ها به‌شکلی گسترده با مردم و جوامع خود مشورت می‌کردند تا اولویت‌ها و نگرانی‌هایی را که باید بر سر میز مذاکره مطرح شود مشخص کنند. از جمله اموری که آن‌ها به اجندای مذاکرات اضافه کردند، نیاز به مسکن و آموزش غیرفرقه‌ای، و اصلاحات در نظام زندان‌ها، و همه‌شمولی و خدمت‌محوری نیروی پلیس بود.

از آنجایی که میانجی‌گران از بطن جامعه می‌آیند و ظرفیت‌های فرهنگی و بافت محیط‌شان را درک می‌کنند، می‌توانند پیام‌ها و فعالیت‌شان را با نیازهای محلی و تغییرات در حال تکامل سازگار کنند. برخی از آن‌ها به‌خاطر تحصیلات‌شان مورد احترام هستند، و برخی به‌خاطر جایگاه و تخصص مذهبی، یا پیوندهای خانوادگی، قومی یا قبیله‌ای که آن‌ها را قادر می‌سازد هم برای اعضای جامعه خود دادخواهی کنند و هم در منازعات میانجی‌گری کنند. مثلاً در سومالیا، زنان خانواده‌های نامدار، خدمات مربوط به کمک‌های بشردوستانه را هدایت کرده‌اند. در بسیاری موارد، آن‌ها با تکیه بر جایگاه اجتماعی خودشان برای عبور کمک‌های بشردوستانه یا بازکردن فرودگاه با الشبای مذاکره کردند، و در منازعات سیاسی بین شخصیت‌های سیاسی و قبایل در دولت انتقالی میانجی‌گری کردند.

اعتمادی که آن‌ها درون جوامع خودشان و از طریق تعاملات‌شان با گروه‌های مسلح و بازیگران دولتی کسب می‌کنند، در فرایند جستجوی راه‌حل‌ها، درجه‌ای از حفاظت را برای آن‌ها فراهم می‌کند. اما جایی که اختلافات بسیار بالا باشد، تمایل به ارتباط با طرف‌های منازعه به هدف دستیابی به صلح، صلح‌سازان را در معرض حملات همه طرف‌ها قرار می‌دهد.

## شبیه‌های برخاسته از آرمان و ارزش

باوجود تفاوت در انگیزه‌های اولیه‌ای که زنان را به سمت صلح‌ساز شدن سوق می‌دهد، ویژگی‌ها و ارزش‌های مشترک زیادی هست که فعالیت‌ها و رویکردهای آن‌ها را متاثر می‌سازد. باور منسجم زنان صلح‌ساز (که اغلب هم‌سو با زنان مدافع حقوق بشر بوده‌اند) این است که هیچ راه‌حل نظامی پایداری برای منازعات داخلی معاصر وجود ندارد. حتی وقتی عملیات‌های نظامی به یک «پیروزی» قاطع کوتاه‌مدت منجر می‌شود، برای بقای آتش‌بس و فاصله‌گرفتن از صلح منفی شکننده (یعنی صرفاً نبود خشونت) و رفتن به سمت یک صلح مثبت پایدار، نیاز به گفتگو و مشارکت سیاسی و اجتماعی است.

این امر نیازمند ترسیم آرمانی از صلح است که در موازین جهانی حقوق بشر و عدالت اجتماعی ریشه داشته باشد و به روابط منصفانه‌تر بین دولت و جامعه و گروه‌های درون جوامع توجه کند و نیز مناسبات جنسیتی را در نظر بگیرد. در حالی که جنگ باعث تعمیق و تداوم بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها می‌شود، ریشه‌های مشروع آن غالباً باقی می‌مانند و به مرور زمان شدت گرفته و بیانی خشونت‌آمیز پیدا می‌کنند. روبیمبوا می‌گوید، «آن‌هایی که جنگ داخلی را آغاز می‌کنند، انگیزه‌هایی برای این کار دارند. به‌عنوان بخشی از روند صلح‌سازی باید صدای آن‌ها را شنید و به نگرانی‌های آن‌ها رسیدگی کرد».<sup>۳۸</sup> به این ترتیب مفهوم امنیت اساساً در حال بازتعریف است. هدف این است که امنیت را از یک تعریف نظامی، که براساس آن دولت ملت، واحد تحلیل است و فرض بر آن است که امنیت ملی مترادف با قدرت نظامی است، به یک چارچوب امنیتی انسانی‌تر و همه‌جانبه‌تر تغییر کند. در تعریف دوم، مردم نقطه شروع هستند، و مسائلی چون دسترسی به خدمات صحتی و درمان، غذا، شبکه‌های ایمنی اجتماعی، آموزش، امنیت محلی، انسجام اجتماعی، و وابستگی متقابل، همگی زیر چتر کلی «امنیت ملی» قرار می‌گیرند.

روزا امیلیا سالامانکا، مشاور پروژه در ائتلاف و مدیریت سیاسی در گروه اقدام تحقیقی و اجتماعی و اقتصادی (CIASE) در کلمبیا، و عضو جمعیت زنان، صلح و امنیت برای تأمل و اقدام، بینش خود را از این مسائل پیچیده و حساس این‌گونه بیان می‌کند:

## «صلح‌ساز کسے ست که عمیقا امیدوار است باوجود تمام این مشکلات، ما هنوز می‌توانیم انسان‌ها، مردان و زنان بهتری باشیم... [صلح‌سازان] آدم‌هایی هستند که همدل عمیقے دارند، اما درعین حال خوب می‌فهمند که حدود اخلاقی ای هم وجود دارد».<sup>۳۹</sup>

این توانایی در داشتن چشم‌اندازهای دوگانه و ایجاد توازن بین آن‌ها و رد کردن مواضع دوقطبی، در تمام فعالیت‌ها و رویکردهای صلح‌سازان مشهود است، و با کار فعالان حقوق بشر تفاوت پیدا می‌کند. صلح‌سازان به سوءرفتارها و خشونت‌هایی که گروه‌های مسلح یا دولت‌ها مرتکب شده‌اند، کاملا آگاهند. اما همزمان درک می‌کنند که پایان دادن به خشونت، نیازمند نشان دادن تصویری انسانی از همان بازیگران است. همان‌طور که یک فعال سوری اشاره کرده است، «ما نیاز داریم مردم کمک‌مان کنند با هم حرف بزنیم، نه این که کمک‌مان کنند همدیگر را بکشیم».<sup>۴۰</sup>

برای صلح‌سازانی که از یک جامعه آسیب‌دیده می‌آیند، سختی کار مضاعف است. پیگیری مداوم گفتگوها برای اعتمادسازی و تلاش برای بیدار کردن خوری انسانی کسانی که ممکن است خود مسئول اقدامات خشونت‌بار و مخوف باشند، به لحاظ عاطفی کاری بس سنگین است. اما همین امر مبنای فعالیت‌های صلح است. صلح‌سازان در جستجوی انسانیت و رنج مرتکبان، خطاهای غیرانسانی آن‌ها را انکار نمی‌کنند. بلکه همان‌طور که سالامانکا می‌گوید، تلاش می‌کنند بپذیرند که هیچ حقیقت مطلق یا منفردی وجود ندارد، بلکه «حقیقت ذره ذره شکل می‌گیرد و هر بار کسی آن را به زبان می‌آورد تغییر می‌کند، چون از طریق حقیقت من و حقیقت شماست که حقیقت ممکن ساخته می‌شود».<sup>۴۱</sup> این خود روایت دوقطبی خیر یا شر، و دوست یا دشمن را که به درگیری‌های خشونت‌بار اعتبار می‌بخشد، از بین می‌برد.

### رفع تبعیض و تاکید بر جهان‌شمولی حقوق بشر

حقوق بشر، خصوصا حقوق زنان، جزو ارزش‌های اساسی زنان صلح‌ساز است. گرچه برخی از زنانی که صلح‌ساز می‌شوند ممکن است سوابقی در فعالیت حقوق بشری داشته باشند، اغلب آن‌ها به سبب انگیزه‌ها یا تجارب شخصی سراغ صلح‌سازی می‌روند. زنان صلح‌ساز ممکن است از ابعاد جنسیتی مسائل، چارچوب‌های فمینیستی یا تبعیضی که ممکن است در تلاش برای ورود به فضاها سیاسی با آن مواجه شوند، آگاهی اندکی داشته باشند.

نقطه تلاقی فعالیت حقوق بشری و فعالیت صلح سیال است. در ایرلند شمالی، پرداختن به مسائل مربوط به نابرابری و تجربه مشترک از صدمات منازعه، باعث شد که فعالان حقوق زنان پروتستان و کاتولیک فضاها جدید برای گفتگوهای صلح تدوین کنند. همچنین، در دهه ۱۹۹۰، رد کردن نظامی‌گری که ریشه در فمینیسم دارد، راهی برای زنان بود تا به صلح‌سازان بین طرف‌های منازعه اسرائیل و فلسطین تبدیل شوند. اغلب، زنان مدافع حقوق بشر به ارزش گفتگو و مشارکت و نیاز به آن به‌عنوان راهی برای بررسی مسائل مرتبط به تبعیض و خشونت پی می‌برند. داکتر فاطمه او طالب، زن مراکشی مدافع حقوق بشر، در باب علاقه مردم به ایدئولوژی و پیام اسلام‌گرایی در جریان همه‌گیری کرونا، به اهمیت اتخاذ رویکردهای متفاوت اشاره می‌کند، مثلا ارائه خدمات و حمایت با توجه به این که «بنیادگرایان از طریق آن چه فراهم می‌کنند، فضا به دست می‌آورند».<sup>۴۲</sup>

ضمنا زنان صلح‌ساز از تجربه به‌حاشیه رانده شدن و کنار گذاشته شدن از سوی بازیگران ملی و بین‌المللی، به عمق تبعیض جنسی و نژادی پی می‌برند. همزمان با آشنایی بیشتر با علل و عواقب منازعه، مواجهه آن‌ها با نابرابری‌های ساختاری، و گستره خشونت جنسیتی و تبعیضات پایدار بسیاری را سوق می‌دهد تا به مرور زمان به حامیان نیرومند حقوق بشر تبدیل شوند.

برای زنان مدافع حقوق بشر و نیز صلح‌سازان، آگاهی از ابعاد جنسیتی مسائل سیاسی و امنیتی اغلب ناشی از تجربه مستقیم است، مثل فعالیت

۳۹ رایان تی. بلیستون، «زنان صلح‌ساز ۲۰۱۸ در کانون توجه: روزا امیلیا سالامانکا، کلمبیا»، مرکز خبری دانشگاه سن دیگو، ۱۸ اکتبر، ۲۰۱۸.

[http://www.sandiego.edu/news/detail.php?\\_focus=69284](http://www.sandiego.edu/news/detail.php?_focus=69284).

۴۰ مکاتبه شخصی با مولف ۲۰۱۲.

۴۱ بلیستون، «زنان صلح‌ساز ۲۰۱۸ در کانون توجه: روزا امیلیا سالامانکا، کلمبیا»، مرکز خبری دانشگاه سن دیگو، ۱۸ اکتبر، ۲۰۱۸.

۴۲ مباحثات اعضای ائتلاف زنان برای رهبری امنیت (WASL)، ۱۴ می، ۲۰۲۰.



در مذاکرات آتش بس. دسترسی به شیوه‌ها و سیاست‌های زنان صلح‌ساز در سطح جهان، خصوصاً یادگیری از زنان صلح‌ساز در منازعات دیگر، به تعمیق درک آن‌ها از جنبه‌های فنی تضمین رویکردهای جنسیت محور در مسائلی چون ساختارها و نظام‌های حکومتی کمک می‌کند. در عمل، زنان مدافع حقوق بشر، از طریق تعاملات‌شان با صلح‌سازان، می‌توانند به حوزه صلح‌سازی وارد شوند، درست مثل زنان صلح‌سازی که وقتی با تبعیض مواجه می‌شوند و با زنان مدافع حقوق بشر همکاری می‌کنند، رویکردهای حقوق بشری را اتخاذ می‌کنند.

## استنتاج قدرت از مذهب و فرهنگ برای به چالش کشیدن نظامی‌گرایی و تحول مردسالاری

زنان صلح‌ساز، در تعریف و تعیین جایگاه خود، به ماهیت چندوجهی کارشان و نیاز به راهبردهای درخور شرایط و مخاطبان متفاوت آگاهند. همان‌طور که در بالا اشاره شد، آن‌ها هم مثل زنان مدافع حقوق بشر، به اهمیت سیاست‌های ملی و بین‌المللی در تلاش برای کسب عدالت، حقوق و فرصت‌های برابر آگاهند. آن‌ها همچنین در تدوین و ترسیم چارچوب‌های قانونی بین‌المللی برای پیشبرد اهداف‌شان کمک می‌کنند (یا نقش دارند)، و از آن‌ها بهره می‌برند. اما در عین حال می‌دانند که قوانین و سیاست‌ها کافی نیست. در واقع، عدم پایبندی به قوانین، یکی از علل اصلی تبعیض و درگیری است. ازین گذشته، آن‌ها درک می‌کنند که اگر به بافت سیاسی و فرهنگی کشور مورد بحث توجه نشود، اتکای محض به چارچوب‌های حقوقی — ملی یا بین‌المللی — می‌تواند محدودکننده و گاهی زیان‌بار باشد. به‌ویژه، ارجاع به مفادی چون «برابری جنسیتی» یا «حقوق زنان» می‌تواند آن‌ها را هدف حمله طرف‌های جنگ یا رهبران مذهبی و سنتی قرار دهد که می‌خواهند اعتبار آن‌ها را تضعیف کنند و برای رسیدن به این هدف تبلیغ می‌کنند که طرح مسائلی مثل حقوق زنان یا برابری جنسیتی فرهنگ محلی را تهدید می‌کند یا این مسائل از سوی غربی‌ها تحمیل می‌شود و این که حامیان حقوق زنان قابل اعتماد نیستند، چون ممکن است جاسوس بیگانگان باشند.

پس زنان صلح‌ساز به جای اتکای صرف بر چارچوب‌های حقوقی، رویکردی عملگرایانه‌تر را در پیش می‌گیرند، و با الهام از نظام‌های فرهنگی سنتی سراغ قدرتمندان می‌روند و آن‌ها را به چالش می‌کشند. آن‌ها با آگاهی از منابع و سازوکار قدرت اجتماعی-سیاسی و هنجارهای مردسالارانه که بر جوامع‌شان حاکم است، اغلب با استفاده از طیفی از رویکردها — از پیوندهای خویشاوندی تا سنت‌ها، مذهب و حتی لباس بومی — در این سازوکارها شرکت می‌کنند، یا آن‌ها را اصلاح می‌کنند، و اگر لازم شود، از بین می‌برند. آن‌ها از این مجراها خود را توانمند می‌سازند تا به صلح‌ساز تبدیل شوند و از اعتبار خود دفاع کنند. نمونه‌های این تاکتیک‌ها در ذیل آمده است.

**پیوندهای خویشاوندی:** در بسیاری از جوامع سنتی، زنان اغلب حافظ پیوندهای خویشاوندی هستند که معمولاً به چشم نمی‌آیند اما برای انسجام اجتماعی ضروری هستند. مثلاً در جامعه قبیله‌ای سومالیا، زنان با مردان عضو قبایل دیگر ازدواج می‌کنند تا پیوندها میان قبایل را عمیق‌تر سازند. وقتی درگیری پیش می‌آید، برخی از زنان از این پیوندها در جهت صلح‌آفرینی استفاده می‌کنند. آن‌ها، هم از جایگاهی که به واسطه ازدواج کسب کرده‌اند و هم از جایگاه خود به‌عنوان دختران بزرگان قبایل، به عنوان پلی بین قبایل تحت رهبری مردان استفاده می‌کنند تا گفتگو را آغاز کنند و برای حل و فصل منازعات از طریق مجاری غیررسمی فشار آورند. در ۱۹۹۹، زنان صلح‌ساز سومالیا، گروهی تحت عنوان قبیله ششم — قبیله زنان — را موقتاً شکل دادند تا در گفتگوهای صلح جایی پیدا کنند و نظام قبیله‌ای را که در آن، زن‌ها ناپیدا اما بازیگرانی حیاتی هستند، به چالش بکشند.

**مادری و نظامی‌گری:** بسیاری اوقات زنان از حجیت اخلاقی که ناشی از جایگاه مادری آن‌هاست، بهره می‌برند. این امر از این رو مؤثر است که نظام‌های شدیداً مردسالار و نظامی، مادر بودن را نقش کلیدی زنان می‌دانند. در این مفکوره البته پیشفرض عمومی از این نقش آن است که زنان جایگاه خانگی خود را حفظ کنند و در عین حال خادم و حامی نظام باشند.

اما از آرژانتین در دهه ۱۹۹۰ تا سریلانکا در دهه ۲۰۰۰، و در تمام بحران‌های جاری امروز، زنان با ورود به فضاهای عمومی و اشغال آن و گرفتن قدرت به دست خود، این تصورات را باطل کرده‌اند. آن‌ها به‌عنوان مادران فرزندان مفقود، و مادران نظامیان و زندانیان، بسیج شده‌اند تا اعتبار اخلاقی و اجتماعی خود را برای مطالبه تغییر سیاست‌ها، عدالت برای قربانیان، آتش بس‌ها، و پایان جنگ توجیه کنند.

در یمن، در زمان نگارش این متن، «انجمن مادران ربوده‌شدگان» که در واکنش به جنگ تشکیل شد، بسیار فعال است. همانند وضعیت‌های مشابه، این زنان با معرفی خود به‌عنوان مادر، و دفاع از اعتبار اخلاقی و عاطفی این نقش، گروه‌های مسلح را به چالش کشیدند و موفق به مذاکره و آزادسازی بیش از ۹۰۰ زندانی شدند.

زنان، تحت لوای مادری، همچنین پوششی امن برای مردان فراهم می‌کنند تا به جنبش‌های ضد جنگ بپیوندند. این در دهه ۱۹۹۰ در اسرائیل، و در



جنبش چهار مادر (اربع أمهات) مشهود بود.<sup>۴۳</sup> مادران سربازانی که به اشغال لبنان از سوی اسرائیل اعتراض می‌کردند، این جنبش را آغاز کردند و خواستار خروج شدند. بسیاری از مردان اسرائیلی که با فراخوان آن‌ها موافق بودند، به آن‌ها پیوستند. اما حفظ هویت مادران، مزیت تاکتیکی مهمی برای این گروه بود، چون رهبران مرد اسرائیل نمی‌توانستند مشروعیت مادران سربازان را انکار یا سرکوب یا تهدید کنند.

**سنت‌ها و خرافات:** گمان می‌رود که فرهنگ و سنت غالباً زنان را سرکوب می‌کنند، و برای همین مهم است که حفاظت از زنان از راه قانون‌گذاری تضمین شود. اما زنان صلح‌ساز ثابت کرده‌اند که در شناسایی و بهره‌برداری از سنت‌های تاریخ و آیین‌های فرهنگی مهارت دارند؛ از جمله خرافاتی که به نفع زنان است و می‌تواند به شکلی راهبردی برای حفاظت، توانمندسازی و صلح‌آفرینی به کار گرفته شود.

در لیبریا در سال ۲۰۰۳، لیما اِگبوی، برنده جایزه صلح نوبل و جنبش «اقدام انبوه زنان لیبریا برای صلح» به شکلی راهبردی از نمادپردازی مذهبی و فرهنگی استفاده کردند. آن‌ها عمداً برای اعتراض لباس سفید می‌پوشیدند، تا نشانی از صلح و مخالفتِ استر در کتاب مقدس باشد. وقتی مذاکرات صلح تقریباً متوقف می‌شد و خشونت بالا می‌گرفت، این زنان دروازه‌های تالار گفتگو را درغنا، جایی که رهبران شبه‌نظامیان مذاکره می‌کردند، مسدود کردند و برهنه شدند... آن‌گونه که اِگبوی، برنده جایزه نوبل توضیح داد، در آفریقای غربی برهنه شدن زن در ملاء عام به نشانه ضدیت با یک فرد، نفرینی بزرگ برای آن فرد محسوب می‌شود، و نشانه‌ای از بدشانسی و بدبختی است.<sup>۴۴</sup>

زنان لیبریا اولین کسانی نبودند که از چنین تاکتیک‌هایی استفاده کردند. در سیرالئون در سال ۲۰۰۰، گروهی متشکل از زنان پیرو چندمذهب علیه خشونتِ جبهه متحد انقلابی و عدم پایداری آن به توافق صلح لومه تظاهرات کردند. وقتی رهبران شبه‌نظامی به آن‌ها اهانت کردند، این زنان خود را برهنه کردند و به این ترتیب آن‌ها را شرمسار کردند. مطابق سنت، چون به آن زنان اهانت شده بود، خانواده‌های‌شان و خصوصاً مردان منطقه آن‌ها و گروه‌های مذهبی مجبور به دفاع از آبروی خود شدند. این امر منجر به بسیج عمومی علیه جبهه متحد انقلابی و فشار بر آن‌ها شد تا به آتش‌بس توافق‌شده و روند انتقال قدرت برگردند.<sup>۴۵</sup>

تقریباً دو دهه بعد، در کامرون در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۸، نیروی ویژه زنان جنوب غرب/شمال غرب (SNWOT) برنامه‌های سوگواری عمومی علیه جنگ سازمان‌دهی کرد. حداکثر ۵۰۰ زن در اماکن عمومی در این اعتراضات شرکت کردند و در اعتراض به خشونت جنگ، استخدام نوجوانان در گروه‌های شبه‌نظامیان، و تجاوز به دختران و زنان، در ملاء عام گریستند. منظره تعداد زیادی زن که در ملاء عام گریه می‌کردند، روشی برای شرمسار کردن دولت و گروه‌های مسلح و اعمال فشار بر آن‌ها برای مذاکرات آتش‌بس و صلح بود.

این شیوه‌ها اغلب در ساختارهای اجتماعی پیشا-استعماری ریشه دارد. مثلاً در شمال غرب کامرون، جنبش‌های اجتماعی زنان موسوم به «تاکمینگ» زنان را دور هم جمع می‌کرد تا برای حفظ سنن و انسجام اجتماعی، شیوه‌ها و مناسکی را اجرا کنند. تاکمینگ با اتکا به اعتبار اخلاقی خود، قادر بود طی تشریفاتی افراد را به خاطر نقض عدالت از جوامع خودشان طرد کند. یکی از فعالان کامرونی، در ۲۰۱۴ در نشریه ورلدپالس آن‌ها را این‌گونه توصیف کرد: «نامی ترسناک برای ظالمانی که به بی‌صدایان ستم می‌کنند. وقتی این مادرسالاران می‌گویند "نه"، فقط خدا می‌تواند بگوید "بله". وقتی آن‌ها در بین مردم ظاهر می‌شوند، همه مردها فرار می‌کنند».

این‌گونه اقدامات، چون در فرهنگ ریشه دارند، به زنان صلح‌ساز اصالت و مشروعیت عمیقی در جوامع خودشان می‌بخشند. و نیز باتوجه به این‌که این باورها بومی است، زنان را در برابر اتهام جاسوسی برای خارجی‌ها، خصوصاً «غرب»، محافظت می‌کند.

**بهره‌گیری از قدرت دین برای فعالیت صلح زنان:** تعالیم دینی و تفاسیر متون مذهبی از سوی روحانیون در بسیاری از ادیان، اغلب منشاء زن‌ستیزی و تضعیف زنان است. از آمریکای شمالی تا خاورمیانه و آفریقا، تنش‌ها بین قوانین مدنی و تعالیم مذهبی که بر قانون‌گذاری تأثیر می‌گذارند، در ارتباط با جایگاه و حقوق زنان در جامعه مشهود است.

ولی زنان صلح‌ساز اغلب در نظام مذهبی مشارکت می‌کنند و یا آن را به چالش می‌کشند تا تعالیمی را که حامی احترام، برابری، تکثر و عدم خشونت

۴۳ رجوع کنید به تامار هرمان، «غلبه بر جریان اصلی: اربع امهات، جنبش چهار مادر در اسرائیل» در جهاد مدنی، ویراستار ام. جی. استفان (نیویورک: پالگریو مک میلان، ۲۰۰۹): ۲۶۴-۲۵۳، [http://doi.org/10.1057/9780230101753\\_18](http://doi.org/10.1057/9780230101753_18)؛ و هشدار بین‌المللی (International Alert)، زنان، منازعه خشونت‌آمیز و صلح‌سازی: دیدگاه‌های جهانی (لندن، بریتانیا: هشدار بین‌المللی، ۲۰۰۰).

۴۴ لیما اِگبوی، قدرت ما بیش باد: چگونه خواهری، دعا، و سکس یک ملت را در جنگ نجات داد (نیویورک، نیویورک: انتشارات هارپر کالینز، ۲۰۱۱).

۴۵ دیان مازورانا، کریستوفر کارلسون، و صنم آندرلینی، از جنگ تا جامعه: زنان و دختران سیرالئون، جنوری ۲۰۰۴.





است مورد توجه و تاکید قرار دهند. سوزان هیوارد و کاتارین مارشال می‌نویسند:

تمام مذاهب حاوی ضرورت‌های اخلاقی برای حمایت از صلح هستند. یهودیت، مسیحیت و اسلام همگی بر شالوم یا سلام تاکید می‌کنند، که نشانه درکی غنی از صلح به‌عنوان دربردارنده هم‌واقعیت سیاسی و هم سلامت معنوی باطنی است. فهم دینی از صلح، اغلب دربردارنده آشتی و عدالت اجتماعی است، که با ترویج مهمان‌نوازی، احترام به جوامع دینی دیگر، عدالت و حقوق بشر، التیام، بخشایش و رشد فردی، می‌تواند الهام‌بخش و عامل ایجاد تعهد فردی و جمعی به صلح باشد.<sup>۴۶</sup>

آن‌ها همچنین اشاره می‌کنند که «در بودیسم، هندوئیسم، کنفوسیوسیم و دیگر ادیان، علما و کنشگران زن هموار [...] تلاش کرده‌اند با اصلاح سنت‌های خود، از کرامت و اعتبار خود دفاع، و از تجارب و عاملیت زنان درون جوامع مذهبی تجلیل کنند».<sup>۴۷</sup>

رویکردهایی که مسرت قدیم، هم‌بنیان‌گذار «نهاد دانش‌آموختگان پیمان» در پاکستان، توسعه داده، نمونه‌ای بارز است. آن‌طور که خانم قدیم می‌گوید، «در جامعه مردسالاری مثل پاکستان، مذهب — مثل سیاست — قلمروی مردان محسوب می‌شود». پس هر زنی که وارد این فضا می‌شود تا تفاسیر طالبان را به چالش بکشد، به‌گفته قدیم باید «دستی بر دین [داشته باشد] تا کسی اعتبار سخنش را به چالش نکشد». راهبرد مسرت قدیم برای پیشبرد کار صلح‌سازی، استفاده از متون، مفاهیم، و واژگان قرآنی و همچنین احادیث نبوی است، و نیز شیوه‌هایی که در ساختار شکنی، خرافات‌زدایی و اعتبار‌زدایی از ایدئولوژی افراطیون، به زنان و جوانان کمک کند. در عمل، او از مبانی همان دین و تعالیم، برای مخالفت با ایدئولوژی تندروان و ابطال آن استفاده می‌کند. آن‌طور که خودش می‌گوید، «روش تحول‌آفرین» پیمان برای توانمندسازی زنان و جوانان و پیشگیری از افراط‌گری خشونت‌آمیز و مقابله با آن در جوامع خود، مبتنی بر قرآن و سنت است».<sup>۴۸</sup>

## راهبرد بهره‌برداری از قدرت خرافات — مثل خوش‌شانسه، یا بدشانسه و ترس — در حمایت از صلح مهم است، چون مردم را به‌لحاظ عاطفی متاثر می‌سازد، و به‌راحتی نمی‌شود آن را به‌اعتبار کرد.

این مشاهدات را در کار زنان صلح‌ساز بسیاری از محیط‌ها می‌توان مشاهده کرد. زنان صلح‌ساز اغلب به‌خاطر ایمان نیرومندان، به کار صلح سوق داده می‌شوند. مثلاً در ایرلند شمالی، ماری فیتزادف، پژوهشگر و فعال صلح، می‌گوید، «این زنان مذهبی بودند که ابتدا اصرار و پافشاری کردند که برای توقف خشونت اقدامی صورت گیرد و راه‌حل‌های عملی طرح شود، مثل ادغام مدارس کاتولیک و پروتستان».<sup>۴۹</sup>

همین‌طور، فاطمه البهدادی مؤسس جمعیت الفردوس عراق، قدرت‌ش را از باورها و ارزش‌های خود می‌گیرد. او تلاش می‌کند ارتباط جوانان را با ملیشه‌های فرقه‌گرا — که ناشی از باور این جوانان به جهاد به‌عنوان یک تکلیف دینی است — قطع کند. او در کار با پسران نوجوان، از دین یا حس وظیفه‌شناسی آن‌ها انتقاد نمی‌کند. بلکه تفسیری تازه از جهاد ارائه می‌کند که کاربرد خشونت را رد می‌کند و می‌گوید جهاد یعنی تلاش برای خدمت به خلق خدا.

در پاکستان هم بُشری حیدر، مدیر مدرسه و صلح‌ساز، از تاکتیک‌های مشابه استفاده می‌کند. در سال ۲۰۱۷، او متوجه شد شاگردان او که پسرانی نوجوان بودند قصد دارند برای جهاد به میانمار بروند تا انتقام خشونت علیه اقلیت مسلمانان روهینگیا را بگیرند؛ حیدر دینداری شاگردانش را زیر سوال برد و پرسید آیا به فقرا و ستم‌دیدگان منطقه خودشان کمک کرده‌اند. مثل البهدادی، رویکرد حیدر این بود که کج‌فهمی شاگردانش را از تعالیم دینی آشکار کند و یک مسیر جایگزین صلح‌آمیز به آن‌ها پیشنهاد دهد.

در نیجریه شمالی، جایی که بوکوحرام فعال بوده است، هم‌سئو الامین که خودش عالم اسلامی و مؤسس بنیاد الامین برای صلح و توسعه است، راهبردی مشابه را به کار برد و ابتدا علمای اسلامی محلی را وارد گفتگو کرد تا تعالیم اسلامی درباره همزیستی مسالمت‌آمیز، عدم خشونت و

۴۶ سوزان هیوارد و کاتارین مارشال (ویراستاران)، زنان، دین و صلح‌سازی (واشنگتن دی‌سی: انستیتو صلح ایالات متحده، ۲۰۱۵): ۱۰.

۴۷ همان

۴۸ مکاتبه شخصی با مؤلف.

۴۹ هیوارد و مارشال، زنان، دین و صلح‌سازی، ۳۰۶ و ۳۲۴-۳۲۱.

حقوق زنان و دختران را با اصول صلح‌سازی و حقوق جهانی بشر تطبیق دهد. این روشی برای آشنایی این علما با حقوق مذکور در دین خودشان بود، طوری که دیگر بیگانه یا «حرام» دانسته نمی‌شدند. یکی از موضوعات کلیدی، تاکید بر این بود که آموختن وظیفه دینی هر مسلمان است (مرد یا زن) و آن‌طور که بگویم ادعا می‌کرد حرام نیست. او از این علما دعوت کرد که به صورت تلفونی در برنامه‌های رادیویی هفتگی حاضر شوند و تعالیم خود را با جوامع محلی به اشتراک بگذارند و به سوالات پاسخ بدهند. طی ۱۵ هفته، ثبت نام در مدارس ناحیه ۴۰ درصد افزایش یافت.<sup>۵۰</sup>

سوق دادن رهبران مردسالار به سمت صلح و برابری: زنان صلح‌ساز همچنین راهبرد تغییر طرز فکر رهبران محلی و پدرسالاران را در پیش گرفتند. در ولایت هرات در افغانستان، حسینیه نیکزاد، موسس سازمان زنان افغان برای برابری (AWOE)، شبکه‌ای از مردان در روستاها و مناطق تشکیل داد تا از درگیری و خشونت پیشگیری کنند یا از میزان آن بکاهند، البته با توجه ویژه به زنان و کودکان، و نیز به طور کلی تر افراطی‌گرایی. گروه‌های او از روحانیون، رهبران محلی، معلمان مدرسه و مردان جوان تشکیل می‌شود که همگی افرادی بانفوذ در جوامع خودشان هستند.

رویکرد نیکزاد این است که با بحث درباره تجربه شخصی مردان از خشونت و همدلی با آنها، مردان را تشویق کند که به این فکر کنند که وقتی زنان و کودکان در معرض خشونت قرار می‌گیرند، چه حسی دارند. او مهارت‌های رهبری و حل اختلاف را آموزش می‌دهد، و در جایی که لازم شود، از ترکیبی از احکام اسلامی و هنجارهای حقوق بشر برای تاکید بر این که چرا و چگونه باید از خشونت پرهیز کرد، بهره می‌گیرد. این رویکرد همچنین از مفاهیم مردسالارانه و مردانگی استفاده می‌کند.

در تعریف صفات مردی و مردانگی در تحقیق خودم که چندین کشور را شامل می‌شد، «محافظت» یکی از ویژگی‌هایی است که مردانگی با آن تعریف می‌شود، اما این تعریف اغلب تحریف می‌شود و در نقش جنگجو و حافظ آبروی خانواده و قبیله ظاهر می‌شود، که آن وقت برای توجیه خشونت علیه کسانی که این گروه را تهدید کنند استفاده می‌شود.<sup>۵۱</sup> رویکرد نیکزاد این است که به مردان روش‌هایی جایگزین برای نقش محافظت پیشنهاد دهد - یعنی، محافظت از اجتماع خودشان، خصوصاً زنان و کودکان، در برابر خشونت و ترس و همچنین با ایجاد فرصت‌ها. در اجتماعاتی که او کار کرده، میزان خشونت کم شده است و مشارکت زنان در زندگی عمومی، از جمله سیاست‌گذاری‌های محلی، افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۹، در یک دوره فقط دو ماهه بعد از مشارکت در کارگاه‌های AWOE، مردان در ۷۲ منطقه در جوامع خود میانجی‌گری و آن‌ها را حل کردند.<sup>۵۲</sup>

استفاده از شیوه‌های مختلف برای رسیدن به برقراری صلح پایدار به عنوان هدف غایی: همان‌طور که در بالا اشاره شد، صلح‌سازان در جستجوی صلح و عدالت، تصمیماتی راهبردی اتخاذ می‌کنند تا از منابع اجتماعی، سیاسی و قانونی موجود بهره ببرند. همزمان، در مورد منابعی که در بافت‌ها و زمان‌های مختلف استفاده می‌کنند، رویکردی تاکتیکی هم دارند و نیز، به حساسیت‌های سیاسی نسبت به معانی واژگان آگاهند. مثلاً طی دوره درگیری در سریلانکا، دولت گاهی عبارت «صلح» را تهدیدآمیز می‌پنداشت. واژگان دیگری مانند «جنسیت» و «افراط‌گرایی خشونت‌آمیز» نیز در بسیاری از محیط‌ها سوءتعبیر شده‌اند. این دست معضلات عمدتاً در بافت‌های بین‌المللی مشهود است؛ جایی که زنان صلح‌ساز مثلاً به جای عبارت «پیشگیری از/مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز» یا «P/CVE» که به لحاظ سیاسی تحریک‌آمیزتر است، ممکن است کار خودشان را «ایجاد سازگاری اجتماعی» معرفی کنند.

همین حساسیت‌ها در مورد هویت و خودانگاری آن‌ها هم دیده می‌شود. اصولاً بسیاری از زنان صلح‌ساز دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و رویکردهای ذاتاً فمینیستی دارند. اما در بسیاری از بافت‌ها، معرفی خود به عنوان «فمینیست» ممکن است آن‌ها را در معرض مخاطرات عمیقی قرار دهد و مانع کارشان شود، برای همین از استفاده از این برجسب خودداری می‌کنند.

نمادهای بصری نیز می‌توانند پر از چالش باشند. مثلاً، در بسیاری از اجتماعات عمدتاً مسلمان، زنان صلح‌ساز ممکن است حجاب یا دیگر مقررات پوشش را رعایت کنند تا بتوانند فعالیت صلح خود را پیش ببرند. به قول یکی از صلح‌سازان، «اگر طوری که آن‌ها انتظار دارند لباس بپوشم، می‌توانم کارم را برای تغییر نظر و منش ملیشه‌ها انجام دهم».

۵۰ مطابق گزارش مستند پروژه که در ۲۰۱۶-۲۰۱۵ به آیکن ارائه شده است.

۵۱ بین ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰، مولف برای برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP)، تحقیقی را درباره تجارب و مشارکت مردان در خشونت، در ۱۰ کشور طراحی و هدایت کرد. طبق این تحقیق علی‌رغم تنوع منطقی و فرهنگی، مردان مردانگی را طبق چهار رکن مردان به مثابه تأمین‌کننده، محافظ، ابقا‌کننده نسل، و دارنده اعتبار و حیثیت تعریف می‌کنند.

۵۲ شبکه بین‌المللی اقدام جامعه مدنی، گزارش سالانه (۲۰۱۹)، ۵۵: <http://icanpeacework.org/2020/07/23/icans-annual-report-2019>



درعمل، زنان صلح‌ساز این مسائل را با زبردستی و تدبیر پشت‌سر می‌گذارند، و از الفاظ و واژگانی استفاده می‌کنند که آن‌قدر کلی و عمومی باشند که اهداف‌شان را در بر بگیرند و کارشان را امکان‌پذیر کنند، بدون آن‌که در نظر مقامات محلی یا گروه‌های مسلح تحریک‌آمیز بیاید. آن‌ها سعی می‌کنند از اقدامات تحریک‌آمیز و اظهارات و مواضعی که بیان ایدئولوژیک دارند اجتناب کنند و درعوض تمرکز عملی و راهبردی روی اهداف غایی‌شان که پایان‌دادن به خشونت، ترویج عدالت و حقوق بشر، و ایجاد صلح همه‌شمول است داشته باشند.

## صلح‌سازان، در جستوی صلح و عدالت، تصمیمات راهبردی اتخاذ می‌کنند تا از منابع اجتماعی، سیاسی و قانونی بهره ببرند.



## نتیجه گیری‌ها و توصیه‌ها

وقتی منازعات و افراط‌گری‌های مبتنی بر هویت، تاروپود اجتماعی جوامع را از هم می‌پاشاند، بیشتر افراد میل شدیدی دارند که به اجتماع و دایره آسایش خودشان پناه ببرند. اما این کار، توانایی جوامع کثرت‌گرا را برای اصلاح و تقویت خود بیشتر تضعیف می‌کند. صلح‌سازان عده کمی هستند که نه تنها یک آینده جایگزین و همه‌شمول را تصور می‌کنند، بلکه جرات می‌کنند خود آن تغییری باشند که در جستجوی شهستند تا وقتی این صلح‌سازان هستند و پُل ارتباط و همکاری دوطرف منازعه را فراهم می‌کنند، از این پُل بهره‌برداری شده، وجود آن مسلم پنداشته می‌شود. اما وقتی نیروهای منفی تصمیم می‌گیرند این همکاری را مختل کنند، اول پُل ارتباطی را هدف می‌گیرند.

با بسته‌تر شدن فضای مدنی، افزایش استبداد، جریان‌سازی افراطی، و در نتیجه فروپاشی اعتماد، لازم و ضروری است که موجودیت صلح‌سازان به رسمیت شناخته شده و از کار آن‌ها قدردانی شود. رویکرد و چشم‌انداز آن‌ها الهام‌بخش و نیز یادزهری حیاتی برای بدبینی و بی‌تفاوتی است که ممکن است زمانی که مردم صلح درونی جوامع متکثر را فراموش کرده یا هرگز تجربه نکرده باشند، غالب شود. اما صلح‌سازی دشوار است. یک مفکوره است، سفری عاطفی، تلاشی روزانه، هفتگی، و هر ساله و اغلب تلاشی برای بقاست. نمی‌توان آن را تنها با شمار معدودی از افراد و شبکه‌های تخصصی حفظ کرد. جنبشی گسترده‌تر و مشارکت عمومی جهانی ضروری است.

بیست سال پیش، زنان صلح‌ساز با مطالبه موفقیت‌آمیز از شورای امنیت برای به رسمیت شناختن سهم و نقش‌شان، کارشان را در معرض دید عمومی قرار دادند. حالا زمان آن است که به موجودیت ترکیب منحصر به فرد ارزش‌ها، صفات، راهبردها و تاکتیک‌هایی که باهم، زنان صلح‌ساز را به عنوان بازیگران حیاتی کار روی منازعات در محیط‌های درگیری تعریف می‌کنند، اذعان کنیم و آن را محترم بشماریم.

زنان صلح‌ساز با گروه‌های مسلح و دولت‌ها مذاکره، و میان آن‌ها میانجی‌گری می‌کنند تا بر خشونت در فضاهای رسمی و غیررسمی نقطه پایان بگذارند. آن‌ها بر حقوق افراد ملکی و حفاظت از آن‌ها تمرکز می‌کنند، خصوصاً آن‌هایی که بیش از همه به حاشیه رانده شده‌اند. آن‌ها روی حفاظت و برپایی صلح کار می‌کنند. و این کاری خطرناک است چون خود را در معرض تهدید و طرد شدن قرار می‌دهند، در حالی که دیگران و حتی خانواده‌ها و جوامع خودشان، حاضر نیستند حاشیه امن و تدافعی خودشان را ترک کنند. این زنان قلب و روح اجندای قطعنامه ۱۳۲۵ و حلقه مفقوده صلح‌سازی معاصر هستند. زمان آن است که اطمینان حاصل شود که آن‌ها به عنوان بازیگران و هیئت‌های مستقل در تمام مراحل صلح و تمام سطوح تلاش‌ها برای پیشگیری، تخفیف و حل منازعات کشورهای خودشان، از جایگاهی شایسته برخوردارند.

برای امکان پذیر کردن این تغییر، در ادامه ۱۰ توصیه عملی ارائه می‌شود، که بسیاری از آن‌ها بر مبنای پیشنهادها موجود است.



## چارچوب عملیاتی برای اطمینان از مشارکت زنان صلح‌ساز در روندهای رسمی صلح

در سال ۲۰۰۰، زنان صلح‌ساز بسیج و خواستار به رسمیت‌شناختن و شمولیت در روندهای صلح و امنیت شدند، که به تصویب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۰۰) درباره زنان، صلح و امنیت (موسوم به WPS)) منتج شد. این قطعنامه خواستار «حمایت از ابتکارات محلی صلح از سوی زنان» و مشارکت زنان در تصمیم‌گیری برای صلح و امنیت شده است. بیست سال بعد، حالا شاهد پیشرفت‌هایی هستیم؛ بیش از ۸۰ کشور برنامه‌های ملی برای عمل برای تضمین شمولیت زنان دارند؛ در سراسر جهان، شبکه‌های منطقوی زنان میانجی ایجاد شده است؛ شمار اندکی از زنان به عنوان نمایندگان رسمی در مذاکرات صلح منصوب شده‌اند؛ سازمان ملل برای تیم حمایت از میانجیگری خود (Mediation Standby Teams)، مشاوران برابری جنسیتی (یا جندر) منصوب کرده و سفیران کشورها در سازمان ملل هم «اتاق‌های حمایت از جامعه مدنی» و «هیئت‌های مشاوره زنان» را برای همراهی روندهای رسمی صلح در جهان ایجاد کرده‌اند؛ همه این مدل‌ها فضایی برای مشارکت فراهم می‌کنند، اما بنا به تعریف، محدود هستند و مشارکت مستقیم و برابر یا نمایندگی زنان صلح‌ساز را در روندهای صلح تضمین نمی‌کنند. مطابق تحقیقات، این تبعیض اثری منفی و مستقیم بر نتایج توافقات صلح و ماندگاری آن‌ها دارد.

برای بهبود نتایج روندهای موجود صلح و توجه به بیستین سالگرد اجندا زنان، صلح و امنیت (WPS)، دولت‌ها، سازمان‌های چندجانبه، و دیگران که در حوزه میانجی‌گری و صلح‌سازی مشارکت دارند، باید معیارهای کاری خود را تغییر دهند. در این جا به ۱۰ گام اشاره می‌شود که تیم‌های میانجی‌گری و دولت‌های حامی روندهای صلح می‌توانند در هر مرحله از روند صلح بردارند تا از وجود پروسه‌های همه‌شمول و جنسیت‌محور، که شانس بیشتری برای صلح بادوام دارند، اطمینان حاصل شود.

### ۱) از حضور هیئت‌های نمایندگی مستقل زنان صلح‌ساز در گفتگوهای صلح حمایت کنید.

پیشینه: در کنفرانس ملی صلح سومالیا در آرتا، جیبوتی (۲۰۰۰)، سازمان ملل از زنان صلح‌ساز دعوت کرد تا بر گفتگوهای صلح بین پنج قبیله که نمایندگان‌شان مرد بودند، نظارت کنند. زنان تمام قبایل در قالب «قبیله ششم» متحد شدند، که اشاره‌ای به ساختار قبیله‌ای کنفرانس بود. آن‌ها با مردها مذاکره کردند تا جای خود را در مذاکرات به‌عنوان هیئتی مستقل و امضاکنندگان توافق تضمین کنند.

پیشینه: در ۱۹۹۶، با آغاز گفتگوهای صلح ایرلند شمالی، سناتور جورج میچل، خواستار روندی شد که شامل تمام طرف‌ها و ده حزب پرطرفدار باشد. فعالان صلح و حقوق زنان کاتولیک و پروتستان متحد شدند و حزبی جدید، به نام ائتلاف زنان ایرلند شمالی، تشکیل دادند و در انتخابات جایگاه نهم را کسب کردند، و در نتیجه یک کرسی در مذاکرات به دست آوردند. آن‌ها مسائلی از قبیل اصلاح سیستم‌های پلیس، زندان، و آموزش را در اجندای مذاکرات وارد کردند و وقتی مذاکرات به بن‌بست خورد، به‌عنوان میانجی‌های داخلی بین احزاب نقشی کلیدی داشتند. همچنین در فرآیندوم برای ادامه مذاکرات، آن‌ها در بسیج آرای عمومی نقشی حیاتی داشتند.

### ۲) روندهای همه‌شمول طراحی کنید تا از زنان و دیگر گروه‌های به‌حاشیه رانده‌شده، به‌طور منصفانه‌ای در آن پروسه‌ها نمایندگی شود.

پیشینه: سازمان ملل در برگزاری کنفرانس گفتگوی ملی یمن (NDC) در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۲، خواستار همه‌شمولی شد و به ایجاد روندی کمک کرد که شامل رهبران سیاسی و قبیله‌ای بوجنبش‌های جامعه مدنی جوانان و زنان بود. میزان مشارکت زنان در کنفرانس گفتگوی ملی ۲۸٪ بود. هیئتی تماماً متشکل از زنان وجود داشت، و سهم مشارکت زنان در نمایندگان احزاب دیگر، حداقل ۳۰ درصد بود. سه کرسی از نه کرسی کارگروه‌ها متعلق به زنان بود و ۲۵٪ کمیته وفاق ملی را شامل می‌شد.

### ۳) جلسات را زودتر برگزار کنید و از همان ابتدای روند کار و تعاملات ساختاری را حمایت کنید تا روابط ذیل شکل بگیرد:

- میان زنان صلح‌ساز و فرستادگان/میانجیان، و
- میان زنان صلح‌ساز و طرف‌های مذاکره.

پیشینه: تیم‌های میانجی‌گری نیروی، به‌عنوان یک قاعده مشترک، پیش از آغاز رسمی روند مذاکره، با ذی‌نفعان متعدد از جمله زنان ملاقات می‌کنند. در تمام طی روند، آن‌ها خصوصاً با کسانی که ممکن است طرف‌های رسمی مذاکره باشند، در مورد مسائلی مثل همه‌شمولی و حقوق بشر همکاری می‌کنند. بازیگران و اختلافات جنسیتی تحلیل می‌شوند و از سازمان‌های مرتبط با صلح زنان و بازیگران زنان صلح‌ساز به‌طور هدفمند حمایت می‌شود.

**۴) زنان را به عنوان ناظران رسمی دعوت و آن‌ها را دوره‌م جمع کنید تا درباره موضوعات اجندا مذاکره کنند و راه‌حل‌های توافق‌شده‌ای مطرح کنید و آنها را با بازیگران مسلح به اشتراک بگذارید و تشویق‌شان کنید که راه‌حل‌ها را قبول کنند.**

**پیشینه:** در بوروندی در ۱۹۹۹، پرزیدنت نلسون ماندلا (میانجی)، یونیفام (صندوق توسعه سازمان ملل برای زنان)، و بنیاد موالیمو نیرره، از برگزاری کنفرانس صلح زنان با شرکت همه طرف‌ها حمایت کردند که بیش از ۵۰ نماینده زن از ۱۹ گروه بوردیایی شرکت‌کننده در مذاکرات صلح را دور هم جمع می‌کرد. این زنان بر سر مطالبات جنسیتی بحث و توافق کردند، از جمله گنجاندن منشور زنان در قانون اساسی؛ اقداماتی برای تضمین امنیت زنان؛ حق زنان برای مالکیت زمین، ارث‌بردن، و آموزش؛ و پایان دادن به مصونیت از جنایات جنگی جنسی و خشونت داخلی. سپس ماندلا توصیه‌های توافق‌شده را به ۱۹ طرف مذاکره ارائه کرد و آن‌ها همه درخواست‌ها را قبول کردند.

**۵) زنان صلح‌ساز را دعوت کنید تا درباره اجندا مذاکره، مثلاً آتش‌بس‌ها، تقسیم قدرت/مسئولیت، و اصلاح بخش امنیتی، و این که انتظار دارند چه چیزی از این روند حاصل شود، منظمًا با هیئت‌های نمایندگی صحبت کنند.**

**پیشینه:** در ۲۰۰۲، پیش از گفتگوهای سان‌سیتی، یونیفام (UNIFAM) کمک کرد تا زنان کنگو با زنان آفریقای جنوبی، گواتمالا، و اوگاندا که در مذاکرات صلح تجربه داشتند، ملاقات کنند. این زنان بعداً توانستند در تدوین اجنداهاى چندین کمیسیون (دفاعی و امنیتی، سیاسی و قضایی، مالی و اقتصادی، حقوق بشر، اجتماعی و فرهنگی، صلح و آشتی) کمک زیادی کنند و در آخرین دور مذاکرات، کمک فنی به دفتر هماهنگ‌کننده ارائه دهند.

**۶) برای همه نمایندگان آموزش‌ها و ابزارهای مرتبط با موضوع جنسیت فراهم کنید، از جمله گزارش‌های توجیهی درباره همه مباحث موضوعی موجود در اجندا، طوری که نمایندگان درک کنند که منازعات چه تأثیری بر زنان و مردان گذاشته است و آنها به این منازعات چگونه پاسخ می‌دهند، و صلح‌سازان چه تخصص‌هایی را به میز مذاکره می‌آورند.**

**پیشینه:** در روند صلح کلمبیا، تیم حمایت از میانجیگری (MST) سازمان ملل خلاصه یادداشت‌های جنسیت‌محوری را درباره هر کدام از موضوعات اجندا، از جمله خلع سلاح، انحلال و ادغام مجدد (DDR)، مسائل ارضی، و حقوق قربانیان، برای نماینده نروژ تهیه کرد.

**۷) از ابتدای روند کار، و در طی آن، و در جریان اجرای توافقات، زنان صلح‌ساز را تامین مالی کنید.**

این امر زنان را قادر می‌سازد به مشورت‌دهی پردازند، پیش‌نویس بیانیه‌ها و مطالب را آماده کنند، و از همان ابتدا در روند کار و در اجرا و نظارت بر معاهدات مشارکت قابل توجهی داشته باشند. از ماحصل کار آن‌ها، مانند پیشینه موجود در گام‌های ۴ و ۵ بالا، برای طراحی و تنظیم اجندا و روند کار، و همچنین گفتگوها با طرف‌های متخاصم استفاده کنید.

**۸) برای کمک‌هزینه‌های جاری انعطاف‌پذیری به خرج بدهید یا حمایت مالی جدید به شیوه «پاسخ سریع» برای زنان صلح‌ساز فراهم کنید تا آن‌ها بتوانند در سریع‌ترین زمان سفر و در روندهای صلح شرکت کنند.**

**پیشینه:** در سال ۲۰۱۹، صندوق صلح نوآورانه (IPF) متعلق به شبکه آیکن (ICAN)، و ابتکار صلح برتر (BPI) طی ۱۶ روز توانستند تا با حمایت مالی از زنان کامرونی (برای سفر، سکونت، و خرج روزانه) و مشاوره‌دهی راهبردی (برای تهیه گزارش‌ها و پیام‌رسانی)، آن‌ها را قادر به مشارکت در گفتگوی ملی کنند.

**۹) با صدور ویزا و تسریع آن‌ها، امکان سفر لحظه آخر را برای گفتگوهای/گفتگوهای مقدماتی صلح فراهم کنید؛ حمایت‌های سفری دیگر را نیز فراهم کنید (از جمله حمل و نقل، سکونت، و خرج روزانه)، و کمک کنید مجوز امنیتی و دسترسی به گفتگوها را کسب کنند.**

**پیشینه:** در سال ۲۰۰۲، سناتور مینه جعفر، فرستاده ویژه کانادا برای صلح در سودان، با حمایت سلیم سلیم، میانجی (و رئیس‌جمهور سابق تانزانیا)، تلاش کرد که ۱۷ زن دارفوری به گفتگوهای صلح آورده شوند. با وجود مخالفت اولیه مذاکره‌کنندگان مرد با شمولیت زنان، جعفر با جلب همکاری اتحادیه عرب و اتحادیه آفریقا توانست روند کار را تغییر دهد.

**پیشینه:** در سال ۲۰۱۹، اتحادیه اروپا در هیئت‌اعزامی خود به کمیسیون مقام زن ملل متحد (CSW) زنان صلح‌ساز یمنی و سوری را هم شامل کرد، و کمک کرد تا ویزایشان برای ورود به آمریکا صادر شود، که در غیر اینصورت صادر نمی‌شد. این صلح‌سازان توانستند با عده زیادی از مقامات





سازمان ملل، کشورهای عضو، و دولت آمریکا، و نیز جامعه جهانی سازمان‌های غیردولتی ملاقات و صحبت کنند.

**۱۰) پیش از تامین مالی یا حمایت سیاسی، بر شمولیت زنان صلح‌ساز تاکید و با زنان صلح‌ساز مشورت کنید تا امکان تحقق توافقات و نقاط ضعف آن‌ها معلوم شود.** اگر هیئت‌های نمایندگی، همه‌شمول نیستند یا اگر موافقت‌نامه‌ها امکان بروز خشونت، فساد، تبعیض، یا محرومیت را فراهم می‌کنند یا به آن‌ها اعتبار می‌بخشند، حمایت خود را عملی نکنید.

**پیشینه:** در ماه می ۲۰۲۰، شورای اتحادیه اروپا اعلام کرد که در روند صلح افغانستان «حمایت سیاسی و مالی آینده خود را مشروط خواهد ساخت تا اطمینان حاصل شود که اصول جمهوری خواهانه، دموکراتیک، و ارزش‌محور حفظ و ترویج می‌شوند».<sup>۵۳</sup> اتحادیه اروپا با اعلام حمایت خود از راه‌حل سیاسی توافق‌شده، به بهبود حکومت‌داری و تقویت نهادهای افغان برای ایجاد صلحی پایدار متعهد است. به علاوه، اتحادیه اروپا بر حل و فصل اختلافات اصرار دارد تا آزادی‌های دموکراتیک و اساسی همه شهروندان افغان، خصوصاً زنان، کودکان، و اقلیت‌ها تضمین شود. این گروه‌ها را باید حفاظت و تقویت کرد تا به «دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی، و پیشرفت‌های ۱۹ سال گذشته» بیفزایند.<sup>۵۴</sup> ازین گذشته، اتحادیه اروپا با تایید مجدد همسویی خود با قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت، بر «اهمیت مشارکت معنادار زنان در تمام ابتکارات صلح، از جمله مذاکرات رسمی و غیررسمی صلح» تاکید کرد.<sup>۵۵</sup>

**فشار بر ائتلاف‌های زنان صلح‌ساز، برای بیان نگرانه‌هایشان در میز صلح از طریق طرف‌های جنگ، می‌تواند زیان‌بار باشد. اول آن‌که، این امر مسائلی را که زنان مطرح می‌کنند سیاسی می‌کند، مثلاً جان و سلامت ربوده‌شدگان را به اهرم فشار و چانه‌زنی تبدیل می‌کند. دوم آن‌که، اگر گمان برود زنان صلح‌ساز با یکی از طرفین همکاری می‌کنند، می‌تواند به صداقت و استقلال آنها — به عنوان شهروندان فعال از طرف جوامع جنگ‌زده — لطمه بزند. ما بازیگران صلح هستیم که درون منازعه و درباره منازعه، به نفع مردم فعالیت می‌کنیم و نه نخبگان سیاسی.**

**— رشا جرحوم، ابتکار روند صلح، یمن**

۵۳ شورای اتحادیه اروپا، تصمیمات شورا درباره افغانستان (۱ COR ۲۰/۸۲۲۳)، بروکسل، ۲۹ می ۲۰۲۰: COASI ۲۷

۵۴ همان منبع

۵۵ همان منبع



«به ما به خاطر آن چه که واقعا می توانیم انجام دهیم آیکن [ICAN] می گویند.  
ما تشنه اعتمادیم و نه تشنه ریسک کردن، و با ایجاد روابط اعتمادآمیز و  
تنظیم امور به شیوه ای مثبت و فعالانه مشارکت می کنیم.»

— جینا ابرکرومبے-وینستلے، سفیر (بازنشسته) آمریکا